



پردیس کشاورزی و منابع طبیعی

گروه علوم دامی

تغذیه ۳

جزیره نویسی (طیور)

تهیه و تدوین:

دکتر مجتبی زاغری

۱۳۸۸

- مراحل جیره نویسی
- روش های عملی تنظیم جیره
- آزمون و خطا
- مربع پیرسون
- معادلات چند مجهولی
- استفاده از دترمینان و ماتریس جهت حل دستگاه معادلات
- برنامه خطی
- نرم افزار جیره نویسی UFFDA
- معیارهای جیره نویسی طیور
- محدودیت ها و ویژگیهای مواد خوراکی
- تعیین ارزش اقتصادی مواد خوراکی
- معیارهای تامین مواد معدنی
- نسبت انرژی به پروتئین
- معیارهای تامین انرژی
- معیارهای تامین پروتئین
- معیارهای تامین ویتامین ها
- منابع مورد استفاده

مراحل جیره نویسی:

۱. تعیین احتیاجات (آزمایشهای بیولوژیکی، جداول Rhon Poulenc, Feed Stuff, ARC, NRC و...)
 ۲. تعیین ترکیب مواد خوراکی (تجزیه شیمیایی و بررسی بیولوژیکی از لحاظ Bioavailability مواد مغذی محتوی مواد خوراکی)
 ۳. تنظیم جیره (روش ها: آزمون و خطا، مربع پیرسن، محاسبه جبری یا معادلات چند مجهولی و برنامه خطی)
- احتیاجات تابع عوامل مختلفی از جمله سن، گونه، جنس و... است.
- ترکیب مواد خوراکی تابع عوامل مختلفی از جمله عمل آوری، واریته، تاریخ کشت و... است.

ویژگیهای جیره غذایی مطلوب:

- I. به طور آزاد قابل عرضه به حیوان باشد
- II. خوش خوراک باشد
- III. مواد خوراکی آن متنوع باشد
- IV. تاثیر سوء بر حیوان نگذارد
- V. قابل هضم باشد. مواد مغذی محتوی آن قابل استفاده در متابولیسم باشد
- VI. از لحاظ قیمت بهترین قیمت برای حداکثر بازده باشد (حداقل قیمت برای حد اکثر عملکرد)
- VII. از لحاظ مواد مغذی متوازن باشد
- VIII. از لحاظ حجم متناسب با نیاز مواد مغذی و ظرفیت دستگاه گوارش باشد
- IX. مدت زمان نگهداری آن تقریباً طولانی باشد
- X. تا حدودی ملین باشد

سیستم نامگذاری بین المللی IFI مواد خوراکی (International Feed Institute)

- Origin –1
- Variety –2
- Part eaten –3
- Process –4
- Stage Maturity –5
- Cropping –6
- Quality grade –7
- : Classification –8

۱. خشبی خشک

۲. علوفه مراتع (قصیل)

۳. مواد سیلو شده

۴. مواد پرانرژی (کمتر از ۲۰٪ CP و کمتر از ۱۸٪ الیاف)

۵. مکمل پروتئینی (CP بیشتر از ۲۰٪ و الیاف کمتر از ۱۸٪)

۶. مکمل معدنی

۷. ویتامین

۸. افزودنی (feed additive)

مثال : آرد ماهی، کپور، تمام، raw، -، -، ۶۴٪، ۵

↑
CP

روش های عملی تنظیم جیره (Diet Formulation)

I. روش آزمون و خطا (Trial & Error)

مثال: تنظیم جیره برای مرحله آغازین جوجه گوشتی (مرحله اول)

[illegible]

با توجه به اینکه در مرحله اول جیره تنظیم شده متوازن نبود، لذا با تجربه کسب شده از مرحله اول مجدداً با تغییر درصد مواد خوراکی اقدام به تنظیم مجدد و بررسی میزان مواد مغذی تأمین شده می‌پردازیم.

تنظیم جیره برای مرحله آغازین جوجه گوشتی (مرحله دوم)

مواد مغذی تأمین شده توسط مواد خوراکی											مواد مغذی محتوی مواد خوراکی											مواد خوراکی		%
Lys	Met+Cys	Met	Na	Pa	Pt	Ca	CF	CP	AME _n		Lys	Cys	Met	Na	Pa	Pt	Ca	CF	CP	AME _n				
۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۱۳	۰/۰۱	۱	۳/۸۷	۱۵۲۵/۶		۰/۲۶	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۰۲	۰/۰۸	۰/۲۸	۰/۰۲	۲/۲	۸/۵	۳۳۵۰	۴۵/۵۴	ذرت		
۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۶	۰/۰۲	۱/۰۵	۴۲/۳۱		۵/۰۷	۰/۶۵	۱/۹۵	۰/۶۵	۲/۴۳	۲/۴۳	۳/۷۳	۱	۶۴/۲	۲۵۸۰	۱/۶۴	آرد ماهی		
۱/۱	۰/۵۲	۰/۲۵	۰	۰/۱۱	۰/۲۷	۰/۱۲	۲/۸۶	۱۷/۹۷	۹۱۰/۵۱		۲/۶۹	۰/۶۶	۰/۶۲	۰/۰۱	۰/۲۷	۰/۶۵	۰/۲۹	۷	۴۴	۲۲۳۰	۴۰/۸۳	کنجاله سویا		
-	-	-	-	-	-	-	-	-	۷۱۴/۵۶		-	-	-	-	-	-	-	-	-	۸۸۰۰	۸/۱۲	روغن ذرت		
-	-	-	-	۰/۲۶	۰/۲۹	۰/۳۵	-	-	-		-	-	-	۰/۰۶	۱۶/۸۳	۱۸/۷	۲۲	-	-	-	۱/۵۷	دی کلسیم فسفات		
-	-	-	۰	-	-	۰/۴۴	-	-	-		-	-	-	۰/۲	-	-	۳۸	-	-	-	۱/۱۷	صدف		
-	-	-	۰/۱۷	-	-	۰	-	-	-		-	-	-	۳۹	-	-	۰/۳	-	-	-	۰/۴۴	نمک		
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-		-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۲۵	مکمل معدنی		
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-		-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۲۵	مکمل ویتامینه		
-	۰/۱۹	۰/۱۹	-	-	-	-	-	۰/۱۱	۶/۹۹		-	۹۸	۹۸	-	-	-	-	-	۵۸/۶۹	۳۶۸۰	۰/۱۹	دی ال متیونین		
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-		۷۴/۴۲	-	-	-	-	-	-	-	۱۱۹/۷۵	۴۶۰۰	-	ال لیزین هیدرو کلراید		
۱/۱	۰/۹	۰/۵۵	۰/۲	۰/۴۵	-	۱	-	۲۳	۳۲۰۰													مواد مغذی مورد نیاز	۱۰۰	
۰/۲	۰/۰۱	۰	۰	۰	۰/۷۳	-۰/۰۲	۳/۸۸	۰	۰													توازن	۰	

در این مرحله جیره تقریباً متوازن شده است لذا از ادامه کار صرف نظر می‌گردد.

II. روش مربع پیرسن

۱. یک ماده مغذی دو ماده خوراکی

مثال: مخلوطی از ذرت حاوی ۸/۵ درصد پروتئین خام و کنجاله سویا حاوی ۴۴ درصد پروتئین خام تهیه نمائید که حاوی ۲۳ درصد پروتئین خام باشد.

8.5 ذرت	23	$\frac{21}{35.5} \times 100 = 59.15$
44 سویا		$\frac{14.5}{35.5} \times 100 = 40.85$
		100 23

➤ شرط اصلی در مربع پیرسن این است که یکی از اعداد سمت چپ بزرگتر و دیگری کوچکتر از عدد وسط مربع باشد.

۲. سه ماده خوراکی یک ماده مغذی

شرط : در مورد دو تا از مواد خوراکی باید بصورت فرض اولیه یک نسبت اولیه را در نظر بگیریم.

مثال: جیره غذایی مقداری برای خروس گله مادر در کنجاله سویا دارای ۴۴٪ پروتئین خام، تانکاژ حاوی

۶۰٪ پروتئین خام (نسبت سویا به تانکاژ ۱ : ۳) و جو جیره ای فرموله نمائید که دارای ۱۲ درصد پروتئین

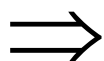
خام باشد.

$$3 + 1 = 4$$

$$3 \times 0.44 = 1.32 \text{ سویا}$$

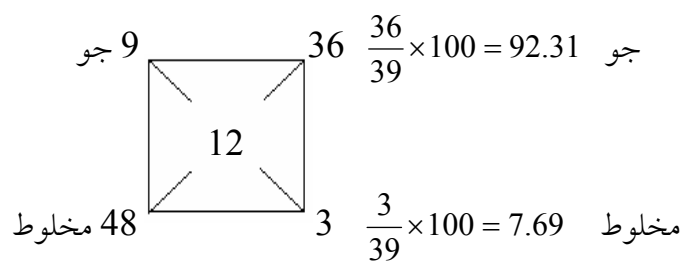
$$1 \times 0.6 = 0.6 \text{ تانکاژ}$$

$$1.92$$



$$\frac{1.92}{4}$$

$$100 \times X \longrightarrow 48\%$$



نتیجه: تانکاژ $\frac{1}{4} \times \frac{7}{69} = 1.92\%$ سویا $\frac{3}{4} \times \frac{7}{69} = 5.77\%$ جو: $92.31/31\%$

۳. سه ماده خوراکی دوماده مغذی

مواد مغذی تأمین شده توسط مواد خوراکی											مواد مغذی محتوی مواد خوراکی											مواد خوراکی		%
Lys	Met+Cys	Met	Na	Pa	Pt	Ca	CF	CP	AMEn		Lys	Cys	Met	Na	Pa	Pt	Ca	CF	CP	AMEn				
																							ذرت	
۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۲	۱/۰۵	۴۲/۳۱		۵/۰۷	۰/۶۵	۱/۹۵	۰/۶۵	۲/۴۳	۲/۴۳	۳/۷۳	۱	۶۴/۲	۲۵۸۰	۱/۶۴	آرد ماهی		
																							کنجاله سویا	
																							روغن ذرت	
																							دی کلسیم فسفات	
																							صدف	
																							نمک	
																							مکمل معدنی	
																							مکمل ویتامینه	
																							دی ال متیونین	
																							ال لیزین هیدرو کلراید	
۱/۱	۰/۹	۰/۵۵	۰/۲	۰/۴۵	-	۱	-	۲۳	۳۲۰۰													مواد مغذی مورد نیاز	۱۰۰	
																							توازن	۹۸/۳۶

[illegible]

CP $21.95 \times \frac{100}{94.49} = 23.22$

44 سویا

23.22

8.5 ذرت

$\frac{14.72}{35.5} \times 0.9449 = 0.392 \times 2230 = 874.16$

$\frac{20.78}{35.5} \times 0.9449 = 0.553 \times 3350 = 1852.55$

94.5%

2726.71

Mix I

44 سویا

23.22

0 روغن ذرت

$\frac{23.22}{44} \times 0.9449 = 0.499 \times 2230 = 1112.77$

$\frac{20.78}{44} \times 0.9449 = 0.446 \times 8800 = 3924.8$

94.5%

5037.57

Mix II

Mix I 2726.71

3157.7

Mix II 5037.57

$\frac{1879.87}{2310.86} \times 100 = 81.35$

$\frac{430.99}{2310.86} \times 100 = 18.65$

100%

Mix III

	Mix I	Mix II	
سویا ⇒	(۰/۸۱۳۵ × ۰/۳۹۲) +	(۰/۱۸۶۵ × ۰/۴۹۹) =	۰/۴۱۱۸
ذرت ⇒	(۰/۸۱۳۵ × ۰/۵۵۳) +	(۰)	= ۰/۴۴۹۸
روغن ذرت ⇒	(۰)	+ (۰/۱۸۶۵ × ۰/۴۴۶) =	۰/۰۸۳۲
۰/۹۴/۴۸			

$$\begin{array}{rcl} \text{DCP} & 100 & 16/83 \\ & 1/56 \Leftarrow X & 0/264 \end{array}$$

$$\begin{array}{rcl} \text{صدف} & 0/852 - 0/343 = 0/509 & \\ & 100 & 38 \\ & 1/33 \Leftarrow X & 0/509 \end{array}$$

$$\begin{array}{rcl} \text{Met} & 100 & 98 \\ & 0/224 \Leftarrow X & 0/22 \end{array}$$

$$\begin{array}{rcl} \text{نمک} & 100 & 39/3 \\ & 0/45 \Leftarrow X & 0/175 \end{array}$$

III. معادلات چند مجهولی (روش محاسبه جبری)

۱. دو ماده خوراکی یک ماده مغذی

روش محاسبه جبری از حروف X , Y , Z و ... به جای مواد خوراکی مصرفی استفاده می‌گردد. با این روش می‌توان جیره را از لحاظ انرژی، پروتئین، کلسیم، فسفر و ... متوازن نمود. در این روش برای حل مسائل باید برای هر مجهول یک معادله نوشت. این روش پایه‌ای برای روش‌های کامپیوتری می‌باشد. برای تشریح بیشتر به مثال زیر توجه شود.

- مخلوطی از گندم حاوی ۱۰ درصد پروتئین خام و آرد ماهی حاوی ۶۰ درصد پروتئین خام تهیه نمائید که حاوی ۲۰ درصد پروتئین خام باشد.

- فرض $X =$ گندم $Y =$ آرد ماهی و a و b به ترتیب درصد پروتئین خام موجود در گندم و آرد ماهی است. سپس معادلات مربوطه نوشته می‌شود.

$$a_1x + b_1y = N_1$$

$$a_2x + b_2y = N_2$$

$$(1) \quad 0.1x + 0.6y = 0.2 \quad \text{با جایگزین کردن ضرایب، معادلات زیر بدست می آید}$$

$$(2) \quad x + y = 1$$

$$(-) \frac{0.1}{0.1}x + \frac{0.6}{0.1}y = \frac{0.2}{0.1} \quad \text{طرفین معادله ۱ بر ضریب X تقسیم و علائم جبری را تغییر می دهیم}$$

$$-x - 6y = -2$$

$$x + y = 1$$

$$-5y = -1 \longrightarrow y = 0.2 \times 100 = 20 \quad x = 100 - 20 = 80$$

اگر ۲۰ کیلوگرم آرد ماهی را با ۸۰ کیلوگرم گندم مخلوط نمائیم، مخلوط به دست آمده حاوی ۲۰ درصد پروتئین خام خواهد بود.

۳. سه ماده خوراکی ۲ ماده مغذی

مثال: حل مثال قبل که با استفاده از دو بل پیرسن تنظیم گردید (X ذرت Y سویا Z روغن ذرت)

$$0.085x + 0.44y + 0z = 0.2195 \quad \text{معادله پروتئین کیلوگرم}$$

$$3/350x + 2/230y + 8/8z = 3/1577 \quad \text{معادله انرژی مگا کالری/کیلوگرم}$$

$$x + y + z = 0.9449 \quad \text{معادله مقدار کیلوگرم}$$

$$z = (0.9449 - x - y)$$

$$0.085x + 0.44y = 0.2195$$

$$3/350x + 2/23y + 8/8(0.9449 - x - y) = 3/1577$$

$$64/117 \longrightarrow 0.085x + 0.44y = 0.2195$$

$$-0.45x - 6/57y = -5/15742$$

$$21/64y = 8/97$$

$$y = 41/19 \quad \text{سویا}$$

$$x = 45/0 \quad \text{ذرت}$$

$$z = 8/3 \quad \text{روغن}$$

$$94/49$$

لازم به ذکر است که با استفاده از ۳ معادله ۳ مجهول نیاز به تبدیل درصد پروتئین خام نیست. چون معادله بر اساس فضای باقیمانده در جیره است

IV. استفاده از دترمینان و ماتریس جهت حل دستگاه معادلات

عده ای از متخصصین تنظیم جیره‌های غذایی معتقد هستند که فرموله کردن جیره‌های غذایی متوازن با استفاده از روش دترمینان و ماتریس ساده‌تر و سریع‌تر می‌باشد، با این روش می‌توان جیره‌های غذایی مرکب از ۲ یا ۳ ماده خوراکی و یا تعداد بیشتر را برای مواد مغذی از قبیل پروتئین و انرژی متوازن نمود. برای بیان این روش به نمایش معادلات و حل مسئله مبادرت می‌گردد.

$$a_1x + b_1y = N_1$$

$$a_2x + b_2y = N_2$$

* فرض می‌کنیم x و y دو نوع ماده خوراکی و N_1 و N_2 دو ماده مغذی باشند در این صورت می‌توان دترمینان را بصورت زیرنوشت:

ضرایب a و b میزان مواد مغذی محتوی مواد خوراکی x و y است.

$$\begin{vmatrix} a_1 & b_1 \\ a_2 & b_2 \end{vmatrix} \begin{vmatrix} N_1 \\ N_2 \end{vmatrix}$$

$$x = \frac{\begin{vmatrix} N_1 & b_1 \\ N_2 & b_2 \end{vmatrix}}{\begin{vmatrix} a_1 & b_1 \\ a_2 & b_2 \end{vmatrix}} = \frac{(N_1b_2 - N_2b_1)}{(a_1b_2 - a_2b_1)} \quad y = \frac{\begin{vmatrix} a_1 & N_1 \\ a_2 & N_2 \end{vmatrix}}{\begin{vmatrix} a_1 & b_1 \\ a_2 & b_2 \end{vmatrix}} = \frac{(a_1N_2 - a_2N_1)}{(a_1b_2 - a_2b_1)}$$

$$x = \frac{\Delta x}{\Delta} \quad y = \frac{\Delta y}{\Delta} \Rightarrow \Delta \neq 0 \quad \Delta x : x \text{ دترمینان}, \Delta y : y \text{ دترمینان}, \Delta : \text{دترمینان ضرایب}$$

مثال : دستگاه به دست آمده مسئله قبل را به روش بالا حل کنید.

$$\begin{cases} 0.1x + 0.6y = 0.2 \\ x + y = 1 \end{cases}$$

$$x = \frac{\begin{vmatrix} 0.2 & 0.6 \\ 1 & 1 \end{vmatrix}}{\begin{vmatrix} 0.1 & 0.6 \\ 1 & 1 \end{vmatrix}} = \frac{(0.2 - 0.6)}{(0.1 - 0.6)} = \frac{-0.4}{-0.5} = 0.8$$

$$y = \frac{\begin{vmatrix} 0.1 & 0.2 \\ 1 & 1 \end{vmatrix}}{\begin{vmatrix} 0.1 & 0.6 \\ 1 & 1 \end{vmatrix}} = \frac{(0.1-0.2)}{(0.1-0.6)} = \frac{-0.1}{-0.5} = 0.2$$

- استفاده از دترمینان و ماتریس جهت حل دستگاه معادلات (۳ ماده خوراکی و ۳ ماده مغذی یا دستگاه چند مجهولی سه معادله سه مجهول)

برای توضیح این روش به ذکر یک مثال اکتفا می‌شود.

* با استفاده از گلوتن ذرت حاوی ۳۷۲۰ کیلوکالری در کیلوگرم انرژی قابل متابولیسم و ۶۰ درصد پروتئین خام، کنجاله سویا حاوی ۲۲۳۰ کیلوکالری در کیلوگرم انرژی قابل متابولیسم و ۴۸ درصد پروتئین خام و پودر چربی پایدار شده حاوی ۶۸۰۰ کیلوکالری انرژی قابل متابولیسم، فرمول کنسانتره‌ای را تنظیم نمایید که با افزودن ۱۰ درصد از این کنسانتره به خوراک جوجه‌های گوشتی ۵ درصد پروتئین خام و ۴۰۰ کیلو کالری انرژی قابل متابولیسم تامین گردد.

فرض: گلوتن ذرت = X، کنجاله سویا = Y و پودر چربی پایدار شده = Z

$$\begin{cases} 0.6x + 0.48y + 0z = 0.05 & \text{معادله CP} \\ 3720x + 2230y + 6800z = 400 & \text{معادله ME} \\ x + y + z = 0.1 & \text{معادله وزن مخلوط} \end{cases}$$

$$\text{(شرط: دترمینان ضرایب مخالف صفر باشد)} \quad \Delta \neq 0 \Rightarrow \text{شرط} \quad x = \frac{\Delta x}{\Delta} \quad y = \frac{\Delta y}{\Delta} \quad z = \frac{\Delta z}{\Delta}$$

$$\Delta = \begin{vmatrix} 0.6 & 0.48 & 0 \\ 3720 & 2230 & 6800 \\ 1 & 1 & 1 \end{vmatrix}$$

$$\Delta x = \begin{vmatrix} 0.05 & 0.48 & 0 \\ 400 & 2230 & 6800 \\ 0.1 & 1 & 1 \end{vmatrix}$$

$$\Delta y = \begin{vmatrix} 0.6 & 0.05 & 0 \\ 3720 & 400 & 6800 \\ 1 & 0.1 & 1 \end{vmatrix}$$

$$\Delta z = \begin{vmatrix} 0.6 & 0.48 & 0.05 \\ 3720 & 2230 & 400 \\ 1 & 1 & 0.1 \end{vmatrix}$$

$$x = \frac{\Delta x}{\Delta} = \frac{[(0.5 \times 2230 \times 1) + (400 \times 1 \times 0) + (0.1 \times 0.48 \times 6800)] - [(0.1 \times 2230 \times 0) + (0.5 \times 1 \times 6800) + (400 \times 0.48 \times 1)]}{[(0.6 \times 2230 \times 1) + (3720 \times 1 \times 0) + (1 \times 0.48 \times 6800)] - [(1 \times 2230 \times 0) + (0.6 \times 1 \times 6800) + (3720 \times 0.48 \times 1)]} = 0.0744$$

بودرچربی $z = \frac{\Delta z}{\Delta} = 0.0145$ ، کنجاله سویا $y = \frac{\Delta y}{\Delta} = 0.0111$ ، گلو تن ذرت $x = \frac{\Delta x}{\Delta} = 0.0744$

بنابراین هر ۱۰ کیلوگرم کنسانتره به ترتیب حاوی ۱/۴۵، ۱/۱۱ و ۷/۴۴ کیلوگرم چربی، کنجاله سویا و گلو تن ذرت می باشد.

روش بالا مشابه روش ساروس است. با استفاده از این روش فقط دستگاه سه معادله سه مجهول را می توان حل کرد برای حل دستگاه های ۳ معادله ۳ مجهول و تعداد مجهول بیشتر می توان از روش ماتریس استفاده نمود.

$$\begin{cases} a_1x + b_1y + c_1z = N_1 \\ a_2x + b_2y + c_2z = N_2 \\ a_3x + b_3y + c_3z = N_3 \end{cases} \quad \text{دستگاه سه معادله سه مجهول}$$

ماتریس یکه ای
که حاصل آن یک است
(ماتریس یکه ای: ماتریس مربع
که کلیه عناصر صفر است به
غیر از قطر که یک است)

طرفین را در A^{-1} ضرب می کنیم

$$\begin{bmatrix} a_1 & b_1 & c_1 \\ a_2 & b_2 & c_2 \\ a_3 & b_3 & c_3 \end{bmatrix} \begin{bmatrix} x \\ y \\ z \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} N_1 \\ N_2 \\ N_3 \end{bmatrix} \Rightarrow AB = C \Rightarrow A^{-1}(AB) = A^{-1}C \Rightarrow (A^{-1}A)B = A^{-1}C \Rightarrow B = A^{-1}C$$

ماتریس A ماتریس B ماتریس C

دستور به دست آوردن وارون ماتریس
($\det A \neq 0$: شرط)

$$A^{-1} = \frac{{}^{\tau}L}{\det A}$$

ماتریس الحاقی ترانسیپوزه ماتریس

ماتریس الحاقی (L)

اگر A ماتریس مربعی $A=[a_{ij}]$ باشد، $A_{ij}(-1)^{i+j}$ دترمینانی است که از حذف سطر i و ستون j در ماتریس A به دست می‌آید. ماتریسی که از قرار دادن دترمینان $A_{ij}(-1)^{i+j}$ به جای a_{ij} به دست می‌آید ماتریس الحاقی نامیده می‌شود.

$$A = \begin{bmatrix} a & b \\ c & d \end{bmatrix} \longrightarrow L = \begin{bmatrix} d & -c \\ -b & a \end{bmatrix} \xrightarrow{or} L = \begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} \\ a_{21} & a_{22} \end{bmatrix}$$

$$a_{11} = (-1)^{1+1} A_{11}$$

$$a_{12} = (-1)^{1+2} A_{12}$$

$$a_{21} = (-1)^{2+1} A_{21}$$

$$a_{22} = (-1)^{2+2} A_{22}$$

ترانسپوز ماتریس (tA)

ترانسپوز ماتریس A ، ماتریسی است که از تعویض سطرها و ستون‌های هم‌ردیف آن به دست می‌آید.

$$A_{(n,m)} \longrightarrow {}^tA_{(m,n)}$$

$$A = \begin{bmatrix} a & b & c \\ d & e & f \end{bmatrix} \longrightarrow {}^tA = \begin{bmatrix} a & d \\ b & e \\ c & f \end{bmatrix}$$

برای محاسبه دترمینان ماتریس 4×4 از طریق بسط یکی از سطرها که دارای تعداد بیشتری صفر (جهت سهولت) است، به شرح زیر اقدام می‌گردد:

$$A = \begin{bmatrix} A_{11} & A_{12} & A_{13} & A_{14} \\ A_{21} & A_{22} & A_{23} & A_{24} \\ A_{31} & A_{32} & A_{33} & A_{34} \\ A_{41} & A_{42} & A_{43} & A_{44} \end{bmatrix}$$

$$\det A = A_{11} \times (-1)^{i+j} \times \begin{bmatrix} A_{22} & A_{23} & A_{24} \\ A_{32} & A_{33} & A_{34} \\ A_{42} & A_{43} & A_{44} \end{bmatrix} + A_{12} \times (-1)^{i+j} \times \begin{bmatrix} A_{21} & A_{23} & A_{24} \\ A_{31} & A_{33} & A_{34} \\ A_{41} & A_{43} & A_{44} \end{bmatrix} \\ + A_{13} \times (-1)^{i+j} \times \begin{bmatrix} A_{21} & A_{22} & A_{24} \\ A_{31} & A_{32} & A_{34} \\ A_{41} & A_{42} & A_{44} \end{bmatrix} + A_{14} \times (-1)^{i+j} \times \begin{bmatrix} A_{21} & A_{22} & A_{23} \\ A_{31} & A_{32} & A_{33} \\ A_{41} & A_{42} & A_{43} \end{bmatrix}$$

محاسبه وارون و دترمینان ماتریس‌های بزرگتر از 4×4 پیچیده و نیازمند صرف زمان زیادی می‌باشد. لذا

جهت محاسبه وارون، دترمینان و ضرب ماتریس‌ها می‌توان از ماشین حساب‌های پیشرفته، نرم افزارهای

آماري و رياضي استفاده نمود.

حل دستگاه معادلات (بیش از ۳ مجهول) سه ماده مغذی، چهار ماده خوراکی توسط ماتریس:

مثال: جیره ای برای مرحله آغازین (Starter) جوجه های گوشتی فرموله نمائید که دارای ۲۳ درصد پروتئین خام، ۳۲۰۰ کیلوکالری انرژی قابل متابولیسم و ۱ درصد کلسیم باشد. جهت فرموله کردن جیره از ذرت حاوی ۳۳۵۰، ۸/۵ و ۰/۰۲ درصد، سویا حاوی ۲۲۳۰، ۴۴ و ۰/۲۹ درصد، صدف حاوی ۰، ۰ و ۳۸ درصد و روغن ذرت حاوی ۸۸۰۰، ۰ و ۰ به ترتیب انرژی قابل متابولیسم، پروتئین خام و کلسیم استفاده نمائید.

فرض: w روغن ذرت

x ذرت

y سویا

z صدف

$$\begin{cases} 0w + 0.085x + 0.44y + 0z = 0.23 & \text{معادله پروتئین خام Kg} \\ 8800w + 3350x + 2230y + 0z = 3200 & \text{معادله انرژی Kcal/kg} \\ 0w + 0.0002x + 0.0029y + 0.38z = 0.01 & \text{معادله کلسیم Kg} \\ w + x + y + z = 1 & \text{معادله مقدار Kg} \end{cases}$$

$$\begin{bmatrix} 0 & 0.085 & 0.44 & 0 \\ 8800 & 3350 & 2230 & 0 \\ 0 & 0.0002 & 0.029 & 0.38 \\ 1 & 1 & 1 & 1 \end{bmatrix} \begin{bmatrix} w \\ x \\ y \\ z \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} 0.23 \\ 3200 \\ 0.01 \\ 1 \end{bmatrix}$$

$$A \quad \text{ماتریس} \quad B = C$$

$$A \times B = C$$

$$A^{-1}(AB) = A^{-1}C \Rightarrow \overset{1}{A^{-1}A} \times B = A^{-1}C \Rightarrow B = A^{-1}C$$

معکوس نمودن ماتریس A و ضرب ماتریس A^{-1} در ماتریس C توسط نرم افزار SAS

```
proc Iml;
```

```
A={0 0.085 0.44 0, 8800 3350 2230 0, 0 0.0002 0.0029 0.380, 1 1 1 1};
```

```
C={0.23 3200 0.01 1};
```

```
Ainv = inv(A);
```

محاسبه وارون ماتریس A

```
CT= C';
```

ترانسپوز کردن بردار سطری C به ستونی

```
B= Ainv*CT;
```

ضرب وارون ماتریس A در بردار ستونی C

```
print Ainv;
```

```
print B;
```

```
run;
```

دستورات در وارد نمودن
داده‌ها
(Input)

The SAS System

11:38 Friday, February 28, 2006

AINV

```
0.59433987 0.0001928 1.8338183 -0.696851
-3.527978 -0.000239 -5.528082 2.1006711
2.9542685 0.0000461 1.0679249 -0.405811
-0.020689 -2.263E-7 2.6263385 0.0019914
```

CT

```
0.23
3200
0.01
1
```

B

```
0.0752356 —————> ٪۷/۵۲۳ روغن ذرت
0.4700748 —————> ٪۴۷ ذرت
0.4319174 —————> ٪۴۳/۱۹ سویا
0.0227722 —————> ٪۲/۲۸ صدف
```

خروجی
(Output)

برنامه خطی (Linear Programming)

بعضی اوقات یک ماده مغذی بخصوص در داخل یک دامنه مورد نیاز است، بدین معنی که از یک مقدار حداقل و یک مقدار حداکثر نباید تجاوز کند. در روش آزمون و خطا، روش مربع پیرسون و معادلات چند مجهولی، نامساویها و دامنه ها قابل لحاظ کردن نیست، همچنین در روشهای مذکور حداقل کردن قیمت نیز امکان پذیر نیست.

اگر درموردی تعداد مواد مغذی مورد نیاز (Nutrient) زیاد و منابع متنوع مواد خوراکی نیز در دسترس باشد و مسئله قیمت نیز مطرح باشد فرموله کردن جیره غذایی با روشهای قبلی امکانپذیر نیست، لذا استفاده از روش برنامه خطی که دامنه ها (حداقل و حداکثر)، تنوع مواد خوراکی و قیمت جیره و متعادل کردن تعداد زیادی ماده مغذی و نسبت بین آنها را میسر می سازد، انکارناپذیر است. در واقع با استفاده از برنامه خطی دستیابی به جیره متعادل و مطلوب از لحاظ اقتصادی میسر می باشد.

در برنامه خطی چون تعداد مواد خوراکی و مواد مغذی که متعادل می شود زیاد است ماتریس بزرگی ایجاد می شود که حل کردن آن از عهده عملیات دستی خارج است لذا در این روش از یکی از برنامه های کامپیوتری باید استفاده نمود.

تفاوت عمده بین برنامه خطی و دستگاه معادلات چند مجهولی این است که در برنامه خطی ما در یک زمان با معادلات و نامعادلات کار می کنیم، در حالی که در معادلات چند مجهولی فقط با معادلات سروکار داشتیم. بنابراین در برنامه خطی با استفاده از نامعادلات امکان تعیین دامنه، حداقل یا حداکثر نمودن یک ماده مغذی یا قیمت وجود دارد.

مراحل جیره نویسی با استفاده از برنامه خطی :

I. تعیین نیاز مواد مغذی حیوان (از جدول احتیاجات مانند NRC)

II. تعیین مواد خوراکی در دسترس و ترکیبات آنها

III. تعیین کلیه محدودیت ها (مانند مواد ثابت موجود در جیره)

IV. بیان مسئله در قالب نامعادلات و معادلات

$$X_1 \quad X_2 \quad X_3 \quad X_4 \quad X_5 \quad X_6 \quad X_7 \quad X_8 \quad X_9 \quad X_{10} \quad X_{11}$$

مثال ۱: به ترتیب از X_1 تا X_{11} مقادیر غیر منفی ذرت، ماهی، سویا، روغن ذرت، دی کلسیم فسفات، صدف، نمک، مکمل معدنی، مکمل ویتامینه، دی ال متیونین، ال لیزین هیدروکلرید می باشند.

$$X_1 + X_2 + X_3 + X_4 + X_5 + X_6 + X_7 + X_8 + X_9 + X_{10} + X_{11} = 1 \quad \text{معادله مقدار (کیلوگرم)}$$

$$0.085X_1 + 0.642X_2 + 0.44X_3 + 0.04X_4 + 0.05X_5 + 0.06X_6 + 0.07X_7 + 0.08X_8 + 0.09X_9 + 0.0869X_{10} + 0.1975X_{11} \geq 0.23 \quad \text{نامعادله پروتئین (کیلوگرم)}$$

$$335.0X_1 + 258.0X_2 + 223.0X_3 + 88.0X_4 + 0.05X_5 + 0.06X_6 + 0.07X_7 + 0.08X_8 + 0.09X_9 + 378.0X_{10} + 46.0X_{11} = 320.0 \quad \text{معادله انرژی}$$

$$0.002X_1 + 0.373X_2 + 0.029X_3 + 0.04X_4 + 0.22X_5 + 0.38X_6 + 0.03X_7 + 0.08X_8 + 0.09X_9 + 0.01X_{10} + 0.01X_{11} \geq 0.1 \quad \text{نامعادله کلسیم}$$

$$0.008X_1 + 0.0243X_2 + 0.027X_3 + 0.04X_4 + 0.1683X_5 + 0.06X_6 + 0.07X_7 + 0.08X_8 + 0.09X_9 + 0.01X_{10} + 0.01X_{11} \geq 0.045 \quad \text{نامعادله فسفر قابل دسترس}$$

$$0.002X_1 + 0.065X_2 + 0.001X_3 + 0.04X_4 + 0.006X_5 + 0.002X_6 + 0.39X_7 + 0.08X_8 + 0.09X_9 + 0.01X_{10} + 0.01X_{11} \geq 0.002 \quad \text{نامعادله سدیم}$$

$$0.0036X_1 + 0.026X_2 + 0.0128X_3 + 0.04X_4 + 0.05X_5 + 0.06X_6 + 0.07X_7 + 0.08X_8 + 0.09X_9 + 0.08X_{10} + 0.01X_{11} \geq 0.009 \quad \text{نامعادله متیونین + سیستین}$$

$$0.0026X_1 + 0.0507X_2 + 0.0269X_3 + 0.04X_4 + 0.05X_5 + 0.06X_6 + 0.07X_7 + 0.08X_8 + 0.09X_9 + 0.01X_{10} + 0.0744X_{11} \geq 0.11 \quad \text{نامعادله لیزین}$$

$$180.0X_1 + 700.0X_2 + 310.0X_3 + 750.0X_4 + 200.0X_5 + 350.0X_6 + 250.0X_7 + 900.0X_8 + 900.0X_9 + 3200.0X_{10} + 2900.0X_{11} \geq 0 \quad \text{نامعادله قیمت (کیلوگرم / ریال)}$$

V. تعیین محدودیتها:

$$X_8 = 0.0025 \quad \text{مکمل معدنی}$$

$$X_9 = 0.0025 \quad \text{مکمل ویتامینه}$$

$$0.01 < X_2 < 0.05 \quad \text{محدودیت آرد ماهی}$$

نرم افزار جیره نویسی UFFDA

User-Friendly Feed Formulation, Done Again

G.M.Pesti و همکاران

از دانشگاه جورجیا ۱۹۹۲

معیار های جیره نویسی طیور:

محدودیتها و ویژگی های مواد خوراکی که در تنظیم جیره غذایی باید رعایت گردد:

جهت انتخاب مواد خوراکی به منظور تنظیم جیره (Diet Formulation) لازم است از ویژگی ها، مزایا، معایب و محدودیت های مواد خوراکی اطلاعات کافی داشته باشیم. در ذیل بعضی از محدودیتهای مواد خوراکی فهرست شده اند، همچنین در جداول یک تا چهار حد مجاز مصرف مواد خوراکی در جیره طیور ارائه شده است.

ماده خوراکی	محدودیت و عوارض ناشی از مصرف
ذرت	کیفیت پایین پلت، قابلیت آلودگی قارچی، پایین بودن لیزین
گندم	چسبندگی نوک، چسبندگی مدفوع، مرطوب شدن بستر، وجود گزیلان ها
یولاف	الیاف زیاد، مرطوب شدن بستر، انرژی پایین
جو	چسبندگی و افزایش رطوبت مدفوع به واسطه داشتن فیبر خام و بتاگلوکان
برنج	وجود ممانعت کننده آنزیم تریپسین
سبوس گندم	الیاف زیاد، انرژی پایین، مرطوب شدن بستر
مایلو (سورگوم)	تانن
ضایعات نانوائی	قابلیت فساد اکسیداتیو، مقدار نمک
ملاس	K زیاد، مدر، رطوبت زیاد (موجب کپک زدگی دان می شود)
کنجاله سویا	افزایش بروز زخمهای کف پا، گردوغبار، بازدارنده تریپسین، K زیاد، پائین بودن متیونین
کنجاله کانولا (منداب، کلزا)	انرژی کم، گلوکوزینولات، طعم ماهی در تخم مرغ های قهوه ای
Rapeseed	
کنجاله گلوتن ذرت (CGM)	زرد شدن پوست و زرده تخم مرغ، کمبود لایزین
خوراک گلوتن ذرت (CGF)	انرژی کم، زرد شدن پوست و زرده تخم مرغ
کنجاله تخم پنبه	الیاف خام زیاد، گسیپول
کنجاله آفتابگردان	الیاف خام زیاد، لیزین کم
پودر پر	عدم تعادل آمینواسیدها
پودر خون	عدم تعادل آمینواسیدها

برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب های تغذیه دام و طیور مراجعه شود

جدول ۱. محدودیت‌های موادخوراکی برای
پرندگان جوان در سنین ۴-۰ هفتگی (بر حسب درصد جیره)

جدول ۲. محدودیت‌های موادخوراکی برای
پرندگان جوان در سنین ۱۸-۴ هفتگی (بر حسب درصد جیره)

ماده خوراکی	حداقل	حداکثر	ماده خوراکی	حداقل	حداکثر
ذرت زرد	۲۰	۶۰	ذرت زرد	۲۰	۷۱
گندم		۲۰	گندم		۲۵
یولاف		۱۰	یولاف		۲۵
جو		۱۰	جو		۱۵
برنج		۱۰	برنج		۲۰
سبوس گندم		۸	سبوس گندم		۲۰
نرمه گندم		۱۰	نرمه گندم		۲۰
زیره گندم		۱۵	زیره گندم		۲۰
ضایعات بوجاری گندم		۱۰	ضایعات بوجاری گندم		۲۰
سبوس برنج		۱۵	سبوس برنج		۲۰
سبوس داخلی برنج		۱۵	سبوس داخلی برنج		۲۰
مایلو		۴۰	مایلو		۵۰
چاودار		۰	چاودار		۱۰
تریتیکاله		۲	تریتیکاله		۱۵
ضایعات نانوائی		۱۰	ضایعات نانوائی		۱۵
ملاس		۱	ملاس		۵
یونجه خشک		۵	یونجه خشک		۱۰
کنجاله کانولا		۰	کنجاله کانولا		۵
دانه کانولای پر چربی		۰	دانه کانولای پر چربی		۱۰
کنجاله سویا (۴۸٪)	۱۰	۳۰	کنجاله سویا (۴۸٪)	۱۰	۳۰
کنجاله سویا (۴۴٪)	۱۰	۲۵	کنجاله سویا (۴۴٪)	۱۰	۲۵
دانه سویا پر چربی		۱۵	دانه سویا پر چربی		۲۰
کنجاله گلوتن ذرت		۱۵	کنجاله گلوتن ذرت		۲۰
خوراک گلوتن ذرت		۱۵	خوراک گلوتن ذرت		۲۰
کنجاله تخم پنبه		۵	کنجاله تخم پنبه		۱۰
کنجاله بادام زمینی		۸	کنجاله بادام زمینی		۱۰
نخود		۵	نخود		۱۰
کنجاله گلرنگ		۸	کنجاله گلرنگ		۱۰
کنجاله کنجد		۸	کنجاله کنجد		۱۰
کنجاله آفتابگردان		۸	کنجاله آفتابگردان		۱۰
پودر گوشت		۷	پودر گوشت	۱	۷
پودر ماهی (۶۰٪)		۵	پودر ماهی (۶۰٪)		۵
پودر ماهی (۷۰٪)		۵	پودر ماهی (۷۰٪)		۵
پودر خون		۲	پودر خون		۲
پودر پر		۱	پودر پر		۱
موادحاصل ازتقطیر ذرت		۵	موادحاصل ازتقطیر ذرت		۱۰
آب پنیر خشک شده		۵	آب پنیر خشک شده		۱۰
پیه		۰	پیه	۱	۵
چربی خوک		۰	چربی خوک	۱	۵
چربی طیور	۱	۵	چربی طیور	۱	۷
روغن ماهی	۱	۵	روغن ماهی	۱	۵-۱
روغنهای گیاهی	۱	۵	روغنهای گیاهی	۱	۵
روغن نارگیل		۰	روغن نارگیل	۱	۵
روغن نخل		۰	روغن نخل	۱	۵
روغنهای صابون سازی	۱	۵	روغنهای صابون سازی	۱	۷
مخلوط چربیهای حیوانی و گیاهی	۱	۵	مخلوط چربیهای حیوانی و گیاهی	۱	۷

جدول ۳. محدودیتهای موادخوراکی برای

جدول ۴. محدودیتهای موادخوراکی برای

مرغان تخمگذار بالغ و مادر (بر حسب درصد جیره) مرغان تخمگذار و مادر نابالغ در سنین ۲۰-۴ هفتگی (بر حسب درصد جیره)

ماده خوراکی	حداقل	حداکثر	ماده خوراکی	حداقل	حداکثر
ذرت زرد	۲۰	۷۰	ذرت زرد	۲۰	۶۰
گندم		۲۰	گندم		۲۰
یولاف		۲۵	یولاف		۲۰
جو		۲۰	جو		۱۵
برنج		۲۵	برنج		۲۰
سبوس گندم		۱۵	سبوس گندم		۱۰
نرمه گندم		۲۵	نرمه گندم		۲۰
زیره گندم		۲۵	زیره گندم		۲۰
ضایعات بوجاری گندم		۲۰	ضایعات بوجاری گندم		۱۵
سبوس برنج		۲۰	سبوس برنج		۱۵
سبوس داخلی برنج		۱۵	سبوس داخلی برنج		۱۵
مایلو		۵۰	مایلو		۴۰
چاودار		۵	چاودار		۵
تریتیکاله		۱۵	تریتیکاله		۱۰
ضایعات نانوايي		۱۵	ضایعات نانوايي		۱۰
ملاس		۵	ملاس		۵
یونجه خشک		۵	یونجه خشک	۱	۵
کنجاله کانولا		۵	کنجاله کانولا		۰
دانه کانولای پر چربی		۱۰	دانه کانولای پر چربی		۰
کنجاله سویا (۴۸٪)	۱۰	۳۰	کنجاله سویا (۴۸٪)	۱۰	۲۵
کنجاله سویا (۴۴٪)	۱۰	۳۰	کنجاله سویا (۴۴٪)	۱۰	۲۰
دانه سویا پر چربی		۲۰	دانه سویا پر چربی		۲۰
کنجاله گلو تن ذرت		۲۵	کنجاله گلو تن ذرت	۲	۲۰
خوراک گلو تن ذرت		۲۰	خوراک گلو تن ذرت		۲۰
کنجاله تخم پنبه		۱۰	کنجاله تخم پنبه		۱۰
کنجاله بادام زمینی		۱۵	کنجاله بادام زمینی		۱۰
نخود		۱۰	نخود		۱۰
کنجاله گلرنگ		۱۵	کنجاله گلرنگ		۱۰
کنجاله کنجد		۱۵	کنجاله کنجد		۱۰
کنجاله آفتابگردان		۱۵	کنجاله آفتابگردان		۱۵
پودر گوشت		۱۰	پودر گوشت	۲	۷
پودر ماهی (۶۰٪)		۸	پودر ماهی (۶۰٪)	۱	۲-۵
پودر ماهی (۷۰٪)		۸	پودر ماهی (۷۰٪)	۱	۲-۵
پودر خون		۲	پودر خون		۲
پودر پر		۲	پودر پر		۱
مواد حاصل از تقطیر ذرت		۱۰	مواد حاصل از تقطیر ذرت	۱	۵
آب پنیر خشک شده		۱۰	آب پنیر خشک شده	۱	۵
پیه	۱	۲	پیه	۱	۵
چربی خوک	۱	۳	چربی خوک	۱	۵
چربی طیور	۱	۵	چربی طیور	۱	۵
روغن ماهی	۱	۵	روغن ماهی	۱	۱-۲
روغنهای گیاهی	۱	۵	روغنهای گیاهی	۱	۸
روغن نارگیل	۱	۲	روغن نارگیل	۱	۵
روغن نخل	۱	۲	روغن نخل	۱	۵
روغنهای صابون سازی	۱	۵	روغنهای صابون سازی	۱	۸
مخلوط چربیهای حیوانی و گیاهی	۱	۵	مخلوط چربیهای حیوانی و گیاهی	۱	۷

تعیین ارزش اقتصادی مواد خوراکی در جیره نویسی:

برای تعیین ارزش اقتصادی مواد خوراکی باید قیمت موادخوراکی نسبت به مواد مغذی محتوی آنها سنجیده شود. درروش معمول ماده خوراکی که در منطقه بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد به عنوان معیار در نظر گرفته شده و قیمت هر گرم ماده مغذی یا هر کیلو کالری انرژی مشخص می گردد، سپس سایر مواد خوراکی بر اساس میزان ماده مغذی و انرژی محتوی آن قیمت گذاری می شوند.

I تعیین مواد خوراکی پایه یا معیار

II تعیین مواد مغذی مورد نظر در ارزشیابی قیمت

III تعیین قیمت هر واحد ماده مغذی

IV تعیین یا برآورد قیمت ماده خوراکی مورد سؤال

مثال:

I سویا و ذرت به عنوان ماده خوراکی پایه

II سویا به عنوان منبع پروتئین خام و ذرت به عنوان منبع انرژی قابل متابولیسم

III تعیین قیمت هر گرم پروتئین و هر کیلوکالری انرژی قابل متابولیسم

X پروتئین خام، Y انرژی قابل متابولیسم

$$\text{معادله ذرت} \quad 85x + 3350y = 2000 \text{ Rials}$$

$$\text{معادله سویا} \quad 440x + 2230y = 3500 \text{ Rials}$$

$$-440x - 17340/94y = -10349/2$$

$$440x + 2230y = 3500$$

$$y = 0/453 \text{ Rials/KcalMEN} \rightarrow \text{قیمت هر کیلوکالری انرژی قابل متابولیسم}$$

$$x = 5/676 \text{ Rials/grCP} \rightarrow \text{ریال } 5/676 = \text{قیمت هر گرم پروتئین خام}$$

IV تعیین قیمت مناسب گندم (گندم حاوی 3100 کیلوکالری در کیلوگرم MEN و 100 گرم پروتئین خام در کیلوگرم است).

$$(100 \times 5/676) + (3100 \times 0/453) = 1971/9 \text{ Rials/Kg}$$

در این روش می‌توان تعداد زیادی ماده مغذی و یا مواد ضدتغذیه‌ای را (با ارزش منفی) در ارزشیابی قیمت مورد استفاده قرار داد. به عنوان نمونه در مثال زیر ارزش یک گرم پروتئین، یک کیلوکالری انرژی قابل سوخت و ساز، یک گرم متیونین، لیزین، کلسیم و فسفر تعیین شده است. در این مثال ماده خوراکی پایه برای پروتئین کنجاله سویا، برای انرژی ذرت، برای لیزین ال لیزین هیدروکلرید مصنوعی، برای متیونین دی ال متیونین مصنوعی، برای فسفر دیکلسیم فسفات و برای کلسیم صدف در نظر گرفته شده است. با استفاده از اطلاعات زیر قیمت مواد خوراکی را می‌توان دقیق‌تر و واقعی‌تر برآورد نمود.

P +	E +	/	M +	/	L +	/	C +	/	F =	ذرت (کیلوگرم/ریال)
P +	E +	/	M +	/	L +	/	C +	/	F =	سویا (کیلوگرم/ریال)
P +	E +		M +		L +		C +		F =	لیزین (کیلوگرم/ریال)
P +	E +		M +		L +		C +		F =	متیونین (کیلوگرم/ریال)
P +	E +		M +		L +		C +	/	F =	دی کلسیم فسفات (کیلوگرم/ریال)
P +	E +		M +		L +		C +		F =	صدف (کیلوگرم/ریال)

حل معادله از طریق تشکیل ماتریس و با استفاده از نرم افزار SAS:

```
PROC IML;
A= {85 3350 1.8 2.6 0.2 0.8, 440 2230 6.2 26.9 2.9 2.7, 1190 4600 0 790 0 0
, 856 3680 990 0 0 0 , 0 0 0 0 220 168.3, 0 0 0 0 380 0};
C= {3000 6300 22000 85000 10000 600};
Ainv= inv(A);
CT = C`;
B= Ainv * CT;
PRINT B;
RUN;
```

P = /	ارزش یک گرم پروتئین (ریال)
E = /	ارزش یک کیلوکالری انرژی قابل سوخت و ساز (ریال)
M = /	ارزش یک گرم متیونین (ریال)
L = /	ارزش یک گرم لیزین (ریال)
C = /	ارزش یک گرم کلسیم (ریال)
F = /	ارزش یک گرم فسفر (ریال)

معیارهای تأمین مواد معدنی:

تعادل الکترولیت ها در تغذیه طیور:

لاوازیه: حیات روندی شیمیایی است. *"La vie est une fonction chimique"*

عناصر معدنی نقش های بسیاری در بدن ایفا می کنند. از جمله این وظایف می توان به استحکام، واکنش به محرکها، فعالیت آنزیمها، نقش کاتالیزوری، الکتروشیمیایی و هوموستاز اسید و باز اشاره نمود. نقش اولیه الکترولیت ها در بدن حفظ آب و تعادل یون ها است. از اینرو تأمین نیاز Na ، K و Cl به تنهایی مطرح نیست، بلکه تعادل مجموع آنها مهم می باشد. واژه تعادل الکترولیت ها مترادف با تعادل اسید و باز است. تعادل اسید و باز در بدن توسط سه عامل اصلی تحت تاثیر قرار می گیرد:

۱. تعادل الکترولیتها در جیره غذایی

۲. تولید اسید با منشأ داخلی (آندوژنوس)

۳. میزان تصفیه کلیوی

در حالت کلی بدن حیوان در جهت حفظ تعادل بین کاتیون ها و آنیون ها به منظور حفظ pH فیزیولوژیک تلاش می نماید. اگر شرایط بدن به سمت اسیدی یا بازی سوق پیدا کند، مکانیسم دفاع فیزیولوژیکی بدن روندهای متابولیکی را نسبت به حالت عادی تغییر می دهد. درحقیقت به دلیل وجود این سیستم دفاعی، عدم تعادل الکترولیت ها و نتیجتاً تغییر pH و اسمولاریته به ندرت اتفاق می افتد.

به عبارت صحیح تر می توان گفت عدم تعادل الکترولیت ها در بدن به طور مداوم درجهت حفظ pH فیزیولوژیک رخ می دهد. در شرایط دشوار (یعنی تغییرات شدید) مکانیسم تنظیم قادر به تعدیل نبوده، تأثیر معکوس گذاشته و اختلال در هوموستاز بدن ایجاد می شود.

تغییرات مختصری در غلظت یون هیدروژن خون نسبت به مقدار طبیعی آن می تواند موجب تغییراتی زیادی در سرعت واکنش های شیمیایی سلول گردد. به همین دلیل تنظیم غلظت یون هیدروژن یکی از مهمترین جنبه های تعادل فیزیولوژیکی (هوموستازی) است. بنابراین وقتی تعادل اسید-باز به سمت اسیدوز یا آلکالوز میل می کند اغلب مسیرهای متابولیکی دیگر تحت شرایط بهینه کار نکرده و بیشتر درگیر تنظیم هوموستازی هستند تا روند رشد و تولید

حالت اسیدو باز در طیور انعکاسی از تعادل یونی در جیره است.

اثبات این مساله به شکل زیر است :

- اسیدیتة خالص مصرفی به وسیله تفاوت بین آنیونها و کاتیونهای تثبیت شده اندازه گیری می شود:

$$(An-Cat)_{in}$$

- اسیدیتة خالص دفعی به وسیله تعادل یونهای دفع شده از راه ادرار اندازه گیری می شود:

$$(An-Cat)_{out}$$

- مقداری اسید در بدن تولید می شود که عمدتاً از طریق متابولیسم پروتئین ها می باشد. پس واژه اسید آندوژنوس معرفی می شود:

$$(H^{+}_{endo})$$

وقتی که مجموع اسیدیتة خالص مصرفی به علاوه اسید تولیدی با منشأ داخلی مساوی اسیدیتة دفع شده از راه ادرار باشد حیوان در حالت ثابتی است که این حالت به صورت زیر نشان داده می شود:

$$(An-Cat)_{in} + H^{+}_{endo} - (An-Cat)_{out} = 0$$

تحت این شرایط pH خون ۷/۴، بیکربنات پلاسما ۲۵ میلی اکی والان در لیتر و باز اضافی وجود ندارد. اگر اسید خالص مصرفی به علاوه اسید تولیدی آندوژنوس متفاوت از اسیدیتة خالص دفعی باشد، به این حالت باز اضافی یا Alkali reserve گویند که خون به جهت قرار گرفتن حیوان در یک حالت ثابت با استفاده سیستم های موجود این وضعیت را بهبود می بخشد. این حالت ثابت را می توان به صورت زیر نشان داد:

$$(An-Cat)_{in} + H^{+}_{endo} - (An-Cat)_{out} + BE = 0$$

مقداری از باز اضافی که می تواند خنثی شود به وسیله رابطه زیر نشان داده می شود:

$$(Cat-An)_{in} - (Cat-An)_{out} - H^{+}_{endo} = BE$$

اگر به دلیلی دفع اسید افزایش یابد بدون اینکه تغییری در جیره ایجاد شود بنابراین $(Cat-An)_{out}$ کاهش یافته و باعث افزایش سمت چپ معادله می گردد، از اینرو باز اضافی افزایش می یابد و نتیجتاً حیوان دچار آلکالوز می شود.

اگر کربنات کلسیم جیره توسط کلرید کلسیم جایگزین شود، $(Cat-An)_{in}$ کاهش می یابد. به دلیل اینکه تنها کلر جزء آنیون های تثبیت شده است و جذب می شود ولی کلسیم جذب نمی شود (کلر با بیکربنات در ایلئوم تبادل شده و کربنات کلسیم تشکیل شده و دفع می شود) در نتیجه BE کاهش یافته و پرنده دچار اسیدوز می شود.

در شرایط عملی تغذیه طیور اندازه گیری مواد دفعی و اسید تولیدی آندوژنوس مشکل است. از اینرو روش های آزمایشی جهت اندازه گیری تعادل اسید و باز حیوان و حالتی که باز اضافی (BE) مساوی صفر می شود است.

در جیره نویسی برای طیور فقط $(\text{Cat-An})_{\text{in}}$ مورد توجه است. اگرچه این مورد بسیار پیچیده است ولی به وسیله معادله زیر بیان می شود:

$$(\text{Cat-An})_{\text{in}} = \text{meq}(\text{Na}^+ + \text{K}^+ + \text{Ca}^{++} + \text{Mg}^{++}) - \text{meq}(\text{Cl}^- + \text{SO}_4^{--} + \text{H}_2\text{PO}_4^- + \text{HPO}_4^{--})$$

در عمل اندازه گیری این ۸ جزء معادله مشکل است. به عنوان مثال آنیون فسفات که در اشکال آلی فسفولیبید و فسفوپروتئین و به شکل معدنی D.C.P یا M.C.P و یا فیتات است، نقشی در تعادل آنیونها و کاتیونها ندارد. به عنوان مثال فسفر دی بازیک تأثیر چندانی بر تعادل اسید و باز نداشته و این مسئله به دلیل خاصیت بافری فسفات است. چون PK_2 اسید فسفریک معادل ۷/۱۲، یعنی در دامنه PH فیزیولوژیک است. متشابهاً سولفات آنیونی است که به منظور تأمین گوگرد و یا جلوگیری از تجزیه متیونین می باشد و اثر اسیدزایی سولفات به مراتب کمتر از کلر می باشد و یا کلسیم به فرم نمک کربنات و در ارتباط با اسکلت حیوان است و نقش زیادی در تعادل فیزیولوژیکی اسید و باز بدن ندارد. ظاهراً فقط K، Na و Cl مهمترین تعیین کننده های تعادل اسید و باز هستند پس معادله را به شکل زیر نمایش می دهیم:

$$(\text{Cat-An})_{\text{in}} = \text{meq}(\text{Na} + \text{K} - \text{Cl}) + \text{meq}(\text{Ca} + \text{Mg} - \text{SO}_4 - \text{H}_2\text{PO}_4 - \text{HPO}_4)$$

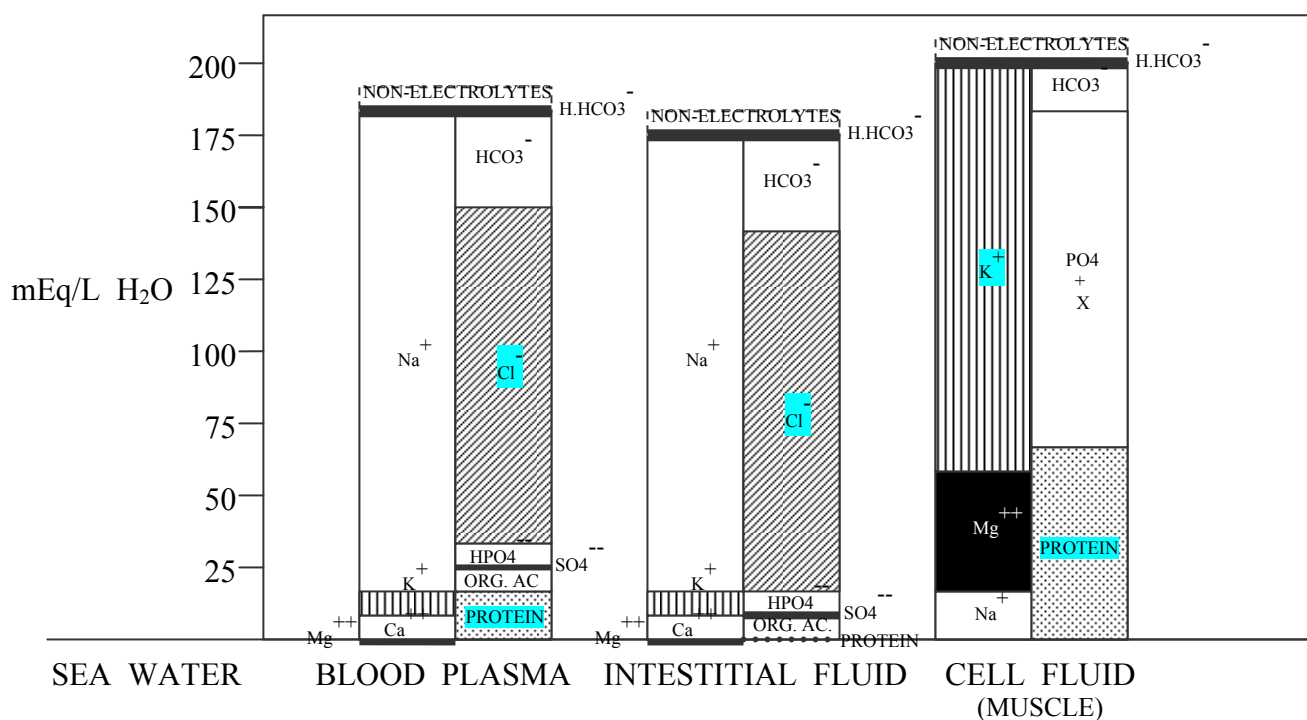
و نهایتاً با حذف قسمت دوم معادله و افزودن اسید تولیدی آندوزنوس معادله به شکل زیر در می آید:

$$(\text{Na} + \text{K} - \text{Cl})_{\text{in}} = (\text{Cat-An})_{\text{out}} + \text{H}^+_{\text{endo}} + \text{BE}$$

تولید اسید آندوزنوس بستگی به ماهیت پروتئین جیره دارد، چرا که ترکیب محصولات ازته متفاوت است. به عنوان مثال پروتئین سویا ۹/۳ میلی اکی والان به ازای هر گرم ازت H^+ تولید می کند.

حالت تعادل یعنی حالتی که باز اضافی مساوی صفر است. در جیره مرغ اگر $\text{Na} + \text{K} - \text{Cl}$ بالاتر یا پایین تر از ۲۵ میلی اکی والان در ۱۰۰ گرم جیره باشد آلكالوز یا اسیدوز ایجاد می نماید که در این حالت بدن بیشتر درگیر تنظیم تعادل فیزیولوژیکی است تا روند رشد. به عنوان مثال اگر قسمتی از سویا توسط پودر ماهی جایگزین شود تعادل از ۱۷/۴ به ۱۳/۱ میلی اکی والان در ۱۰۰ گرم کاهش می یابد. البته این جایگزینی با این فرض است که تغییر دیگری در فرمول و آنالیز جیره ایجاد نگردد. در نتیجه BE افزایش یافته و در این صورت با افزایش نسبت پودر ماهی در جیره نیاز به افزودن یونهای مانند بیکربنات برای کاهش باز اضافی ضروری است. منابع پروتئین حیوانی حاوی مقدار متفاوتی از آنیون سولفات هستند، از اینرو در صورتیکه از منابع حیوانی پروتئین استفاده می شود، می بایست تعادل به صورت $\text{Na} + \text{K} - \text{Cl} - \text{SO}_4$ مورد ارزیابی قرار گیرد. منبع و ترکیب سولفات در اسیدوزنیکی آن مؤثر است. به عنوان مثال اگر به صورت CaSO_4 و K_2SO_4 باشد، نسبت به کلر ۵۸٪ اسیدوزنیکی است و اگر به فرم Na_2SO_4 باشد، این مقدار نسبت به اسیدوزنیکی کلر ۸۴٪ است.

سطوح بالای کلر صرف نظر از تعادل اسیدهای آمینه موجب کاهش رشد می گردد. همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود، کاهش رشد در حالتی که آنتاگونیسم لیزین و آرژنین بروز نموده بسیار مشهود است و این اثر با افزایش کلر نیز شدت گرفته است. با استفاده از لیزین نشاندار (C^{14}) مشخص شده است که اثر کلر در تجزیه لیزین نیست بلکه در ارتباط با تعادل الکترولیت هاست.



جدول ۱- الکترولیت‌های موجود در مواد غذایی				
ماده غذایی	درصد ماده غذایی			سدیم + پتاسیم - کلر (میلی اکی والان در کیلوگرم)
	سدیم	پتاسیم	کلر	
ذرت	۰/۰۵	۰/۳۸	۰/۰۴	۱۰۸
گندم	۰/۰۹	۰/۵۲	۰/۰۸	۱۵۰
جو	۰/۰۲	۰/۵۶	۰/۱۸	۱۰۱
مایلو	۰/۰۴	۰/۳۴	۰/۰۸	۸۲
کنجاله سویا	۰/۰۵	۲/۶۱	۰/۰۵	۶۷۵
کنجاله کانولا	۰/۰۹	۱/۴۷	۰/۰۵	۴۰۰
پودر گوشت	۰/۵۵	۱/۲۳	۰/۹۰	۳۰۰
پودر ماهی	۰/۴۷	۰/۷۲	۰/۵۵	۲۳۰
کنجاله تخم پنبه	۰/۰۵	۱/۲۰	۰/۰۳	۳۲۰
کنجاله آفتابگردان	۰/۰۲	۱/۰۰	۰/۰۳	۲۵۵

جدول ۲- اثر کلر موجود در جیره بر روی رشد جوجه‌های تغذیه شده با سطوح مختلف اسیدهای آمینه بازی					
تیمار	درصد لیزین	درصد آرژنین	افزایش وزن (گرم/روز)		
			۰/۰۵٪ کلر	۱/۰٪ کلر	۱/۵٪ کلر
۱	۰/۸	۱/۰	۵/۵۰bc	۴/۸۰cd	۴/۲۰d
۲	۱/۲۰	۱/۰	۷/۵۰a	۷/۱۰a	۵/۳۰bc
۳	۲/۵۰	۱/۰	۳/۳۰e	۲/۲۰f	۱/۷ f
۴	۲/۵۰	۲/۳۰	۷/۶۰a	۷/۲۰a	۶/۰b

نحوه محاسبه تعادل الکترولیت‌ها یا تعادل کاتیون-آنیون در یک ماده خوراکی یا جیره

(Dcab = Dietary Cation & Anion Balance)

$$\text{mg/Kg وزن عنصر در جیره} = \frac{\text{وزن مولکولی عنصر}}{\text{ظرفیت عنصر (والانس)}} = \frac{\text{Mwt}}{\text{Eq}} = \text{میلی اکی والان الکترولیت در کیلوگرم خوراک (meq/kg)}$$

مثال: جیره ای حاوی ۰/۱۷ درصد سدیم، ۰/۸ درصد پتاسیم، ۰/۲۲ درصد کلر است، تعادل یونها را محاسبه کنید.

$$\text{سدیم } ۰/۱۷\% \longrightarrow = ۱۷۰۰ \text{ mg/Kg} \longrightarrow \frac{۱۷۰۰}{\frac{۲۳}{۱}} = ۷۳/۹ \text{ meq/Kg}$$

$$\text{پتاسیم } ۰/۸\% \longrightarrow = ۸۰۰۰ \text{ mg/Kg} \longrightarrow \frac{۸۰۰۰}{\frac{۳۹}{۱}} = ۲۰۴/۶ \text{ meq/Kg}$$

$$\text{کلر } ۰/۲۲\% \longrightarrow = ۲۲۰۰ \text{ mg/Kg} \longrightarrow \frac{۲۲۰۰}{\frac{۳۵}{۱}} = ۶۲ \text{ meq/Kg}$$

$$\text{Na} + \text{K} - \text{Cl} = ۷۳/۹ + ۲۰۴/۶ - ۶۲ = ۲۱۶/۵ \text{ meq/Kg}$$

نحوه محاسبه تعادل الکترولیت‌ها یا تعادل کاتیون-آنیون جیره توسط نرم افزار UFFDA

ابتدا در صفحه عملیاتی F3 معیار محاسبه تعادل یون‌ها را به صورت (Na+K-Cl) وارد می‌کنیم. سپس در صفحه عملیاتی F5 ضمن وارد نمودن مقیاس محاسبات (meq/kg) مقادیر محاسبه شده کاتیون‌ها منهای آنیون هر ماده خوراکی را در ذیل نام ماده خوراکی وارد می‌نمائیم.

F:\FeedWFFDA.EXE

Utilities Input Windows Print **NOT SOLVED**

Nutrients	Minimum	Maximum	Equal	Level	Shadow Price
<Na+K>-Cl					
Cost					
Weight			1.0000		
MEn			3100.0000		
Protein			16.0000		
Ether extract					
Linoleic Acid					
Crude Fiber					
Calcium			1.0000		
Total Phos.					
Avail. Phos.			0.5000		
Potassium	0.4000				
Chlorine	0.2000				
Sodium	0.2000	0.2000			
<Na+K>-Cl					
Lys					
DigLys			1.2800		
Met					
DigMet	0.5700				

ALT-Q Quit F1 Help F9 Formulate F10 Menu 381352

F:\FeedWFFDA.EXE

Utilities Input Windows Print **NOT SOLVED**

501.7600

Composition Matrix

	Units	Soy-Meal	Corn	Sucrose
Cost		1.0000	1.0000	1.0000
Weight		1.0000	1.0000	1.0000
MEn		2230.0000	3350.0000	3680.0000
Protein		41.1750	7.3530	
Ether extract		0.8000	3.8000	
Linoleic Acid		0.4000	2.2000	
Crude Fiber		7.0000	2.2000	
Calcium		0.2900	0.0200	
Total Phos.		0.6500	0.2800	
Avail. Phos.		0.2700	0.0800	
Potassium		2.0000	0.3000	
Chlorine		0.0500	0.0400	
Sodium		0.0100	0.0200	
<Na+K>-Cl	meq/Kg	501.7600	74.1600	
Lys		2.7200	0.2600	
DigLys		2.4480	0.2390	
Met		0.6200	0.1600	
DigMet		0.5640	0.1500	

ALT-Q Quit F1 Help F9 Formulate F10 Menu 381352

F:\FeedWFFDA.EXE

Utilities Input Windows Print **Minimum Cost = 1.0000**

Nutrients	Minimum	Maximum	Equal	Level	Shadow Price
<Na+K>-Cl					
Cost				1.0000	
Weight			1.0000	1.0000	-1.0000
MEn			3100.0000	3100.0000	
Protein			16.0000	16.0000	
Ether extract				3.2231	
Linoleic Acid				1.8577	
Crude Fiber				2.6360	
Calcium			1.0000	1.0000	
Total Phos.				0.7495	
Avail. Phos.			0.5000	0.5000	
Potassium	0.4000			0.5044	
Chlorine	0.2000			0.2260	
Sodium			0.2000	0.2000	
<Na+K>-Cl				152.2942	
Lys				1.3330	
DigLys			1.2800	1.2800	
Met				0.7505	
DigMet	0.5700			0.7353	

ALT-Q Quit F1 Help F9 Formulate F10 Menu 381352

مواد معدنی

جذب حقیقی و متابولیسم در موجود زنده (Bioavailability)

پرورش دام و طیور با بازده مطلوب و حفظ سلامتی آنها مستلزم تأمین مواد مغذی به مقدار کافی و به شکلی که از لحاظ بیولوژیکی قابل استفاده باشند است. کمبود یک ماده مغذی در جیره‌ای که حاوی یک ماده خوراکی خاصی است باید از طریق افزودن آن ماده به جیره غذایی برطرف گردد. قابلیت استفاده یا قابلیت دسترسی *Bioavailability*^۱ نه تنها بر نیاز یک ماده مغذی در جیره بلکه بر حد تحمل آن نیز تأثیر دارد. از این رو ضرورت آگاهی از قابلیت دسترسی مواد مغذی در مواد خوراکی و شکل‌هایش از پیش روشن است. اطلاعات زیادی در خصوص قابلیت دسترسی مواد مکمل در دسترس است اما در مورد مواد خوراکی اطلاعات محدود است.

واژه‌هایی که در ارتباط با قابلیت دسترسی مواد مغذی مطرح هستند عبارتند از: *Bioavailability*, *availability*, *Biological availability*, *Bioactivity*, *Biopotency* و *Bioefficiency*. که این واژه‌ها بصورت مترادف مورد استفاده قرار می‌گیرند.

طبق تعریف قابلیت دسترسی *Bioavailability* عبارت است از مقداری از یک ماده مغذی از یک منبع بخصوص که جذب شده و قابل استفاده در متابولیسم باشد. سایر محققین از جمله Fox و O'Dell قابلیت استفاده (*Utilization*) مواد مغذی را در روند متابولیسم حیوان قابلیت دسترسی (*Bioavailability*) می‌نامند. در مورد بعضی از مواد مغذی اندازه‌گیری قابلیت دسترسی واقعی آنها بسیار مشکل است از این رو محققین قابلیت دسترسی این مواد را بصورت تخمینی بدست می‌آورند که با تعریف قابلیت دسترسی مغایرت دارد.

در زمینه تعیین متغیرهای مناسب به عنوان معیارهای مطالعه قابلیت دسترسی ذکر مطلبی از Fair weather-Tait در ارتباط با بررسی قابلیت دسترسی آهن در خوراکها و تغییرپذیری قابلیت دسترسی مواد مغذی بی‌مناسبت نیست، «بنظر می‌رسد قابلیت دسترسی آهن در خوراک خصوصیت ذاتی نیست بلکه مقدار برآورد شده تحت تأثیر جذب و قابلیت استفاده در شرایط آزمایش است».

ارقام مربوط به قابلیت دسترسی غالباً بصورت درصد بیان می‌شود. در اغلب موارد قابلیت دسترسی مواد مغذی نسبت به عکس‌العمل حیوان در مقابل حدود استاندارد (*Standard reference material*) بیان می‌شود که عدد بدست آمده از این روش را *Relative Bioavailability Value* (RBV) گویند. معمولاً ماده استاندارد که قابلیت دسترسی نسبت به آن سنجیده می‌شود حلال ساده‌ای است که با استفاده از

^۱ - به منظور اجتناب از کاربرد عبارت طولانی جذب حقیقی و متابولیسم در موجود زنده (*Bioavailability*) از عبارت قابلیت دسترسی استفاده می‌شود.

آن نیاز ماده مغذی حیوان برآورد شده است. در صورت استفاده از ماده استاندارد که نیاز ماده مغذی حیوان با آن برآورد شده است ارزش مقدار برآورد شده ارتقاء می‌یابد.

قاعداً ماده استاندارد باید قابلیت دسترسی بالایی داشته باشد گرچه در بعضی مواقع با اهداف خاصی از ماده استاندارد با قابلیت دسترسی پائین استفاده می‌شود. به عنوان مثال می‌توان به استفاده از دی کلسیم فسفات به جای فسفات سدیم که قابلیت انحلال بالایی دارد اشاره نمود. بنابراین وقتی از دی کلسیم فسفات به عنوان ماده استاندارد استفاده می‌شود قابلیت دسترسی بعضی از منابع بالاتر از ۱۰۰٪ می‌شود. در مورد اسیدهای آمینه ماده استاندارد اسیدهای آمینه کریستاله است که قابلیت جذب حقیقی آنها ۱۰۰٪ است. برعکس در مورد تعیین قابلیت دسترسی منگنز از $\text{MnSO}_4 \cdot \text{H}_2\text{O}$ استفاده می‌شود که قابلیت جذب حقیقی آن بسته به گونه حیوان و نوع جیره ۲ تا ۸٪ است و این مثال که بیانگر تفاوت زیادی در قابلیت جذب حقیقی و RBV برای مواد استاندارد نظیر اسیدهای آمینه کریستاله و عناصر معدنی کم نیاز است نشان می‌دهد که یک ماده با قابلیت هضم پائین می‌تواند قابلیت دسترسی بالایی داشته باشد.

قابلیت دسترسی تحت تأثیر گونه حیوان و نیاز مواد مغذی نسبت به میزان مصرف خوراک است. اعمال و حالات مختلف فیزیولوژیکی (نظیر رشد، توسعه استخوانها، آبستنی، شیردهی، بیماری و ...) می‌تواند موجب افزایش نیاز مواد مغذی و افزایش قابلیت دسترسی مواد مغذی بخصوص در حالتی که میزان آن ماده مغذی در جیره کمتر از میزان نیاز است شود. میزان مصرف یک ماده مغذی نسبت به نیاز حیوان می‌تواند قابلیت دسترسی آن ماده مغذی را افزایش یا کاهش دهد. اثر متقابل بین مواد مغذی و سایر ترکیبات موجود در جیره از قبیل داروها (مثل ترکیب اکسالات با کلسیم و تشکیل ملح نامحلول یا آنتاگونیست داروهای سولفامیدی و نبرتین...) می‌تواند بر قابلیت دسترسی مواد مغذی تأثیر بگذارد. اینگونه اثرات چه قبل از جذب و در روده و چه بعد از جذب در بافتها رخ می‌دهد. یکی دیگر از عوامل مؤثر بر قابلیت دسترسی مواد مغذی نحوه عمل‌آوری جیره غذایی و اندازه ذرات آن است. در خصوص مواد معدنی، ترکیب شیمیایی و قابلیت انحلال تأثیر به سزایی در قابلیت دسترسی آن منبع دارد. تأثیر عوامل ذکر شده بر قابلیت دسترسی مواد مغذی بطور کامل روشن شده است اما تأثیر این عوامل بر RBV ماده مغذی مشابه، می‌تواند حداقل مقدار ممکن باشد. از اینرو طراحی و روشهای آزمایش و تفسیر نتایج حاصل از بررسی قابلیت دسترسی بسیار مهم و ظریف است.

ارزشیابی و تعیین

جذب حقیقی و متابولیسم مواد معدنی در موجود زنده (Bioavailability)

قابلیت دسترسی یک ماده مغذی از یک ماده مورد آزمایش نسبت به یک ماده استاندارد عبارت است از نسبت مقدار ماده استاندارد و مورد آزمایش که عکس‌العمل یکسانی را در حیوان ایجاد می‌کند. گرچه از لحاظ کلی به نظر ساده می‌رسد اما تعیین واقعی آن مشکلات زیادی دارد. بعضی از مشکلات آماری و در ارتباط با modeling طرح آزمایشی و برآوردها است. در این قسمت به تشریح فرضیات و نقاط قوت و ضعف روشهای تعیین قابلیت دسترسی می‌پردازیم. روشهایی که تشریح می‌شود در ابتدا توسط Finney پیشنهاد شده است که بطور اختصار تحت عنوان Relative Bioavailability Value RBV معروف است.

قبل از شروع بحث آماری دو مطلب باید مورد بررسی قرار گیرد. اول اینکه متغیر مستقل در این مقوله چیست. در اغلب موارد میزان ماده مغذی مصرفی و یا غلظت ماده مغذی در خوراک به عنوان متغیر مستقل مطرح می‌گردد. اگر مقدار خوراک مصرفی در تمامی تیمارها مساوی باشد استفاده از هر یک از متغیرهای فوق به عنوان متغیر مستقل قابل قبول است. اما اگر میزان مصرف خوراک متفاوت باشد لازم است عکس‌العمل حیوانی را در مقابل مقدار مصرفی از ماده مغذی در نظر بگیریم. این حالت در زمانی که جیره پایه قسمت عمده‌ای از ماده مغذی مورد نظر را تأمین می‌کند اهمیت بیشتری می‌یابد. دومین مسئله مهم که باید مد نظر قرار بگیرد نوع عکس‌العمل حیوان و یا به عبارت آماری متغیر وابسته است. دو مثال بارز از متغیر وابسته افزایش وزن و خاکستر استخوان است. انتخاب متغیر وابسته، بستگی به ماده مغذی که مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد دارد. در بعضی از مواقع به منظور حصول همگنی واریانس (مساوی بودن واریانس‌ها) و یا سایر معیارها جهت افزایش صحت تعیین، لازم است متغیر وابسته تبدیل گردد.

روش آماری تعیین قابلیت دسترسی استفاده از روش تابعیت (regression) است. در روش بدست آوردن تابعیت لازم است متغیر وابسته و مستقل تعریف گردد. در قسمتهای بعدی از X به عنوان متغیر مستقل و از Y به عنوان متغیر وابسته استفاده می‌شود. X_t و X_s بترتیب مقدار ماده استاندارد و ماده مورد آزمایش است

که عکس‌العمل یا Y یکسانی را بدست می‌دهند. در نتیجه $RBV = \frac{X_s}{X_t}$ است. ممکن است نسبت $\frac{X_s}{X_t}$

بستگی به مقدار Y داشته باشد. در اینگونه موارد مقادیر مختلف RBV مطابق با مقادیر متفاوت Y خواهد بود پس تعریف کامل RBV در مورد آن صدق نمی‌کند. در بعضی از شرایط RBV مستقل از مقادیر Y است و مقدار واحدی را به خود اختصاص می‌دهد. این مورد حاصل از روشهای تعیین که نسبت شیب (Slope Ratio) و خطوط موازی (Parallel lines) نامیده می‌شوند است.

چون روشهای تعیین بر اساس مدل های تابعیت است از اینرو می توان با استفاده از آماره های خاص چگونگی تطابق مدل با داده ها را ارزیابی نمود. آماره سازگاری مدل تابعیت R^2 است این شاخص در کلیه منابعی که تجزیه و تحلیل تابعیت را بررسی نموده اند تشریح شده است. فلسفه R^2 طبق معادله زیر از تقسیم بندی کل واریانس به دو قسمت منشاء می گیرد.

$$SS \text{ اشتباه} + SS \text{ تابعیت} = SS \text{ کل}$$

SS در واقع مجموع مربعات (Sum of Squares) است. SS تابعیت قسمتی از SS کل است که مربوط به ارتباط بین متغیر وابسته و مستقل است و SS اشتباه قسمتی از SS کل است که مربوط به رابطه بین متغیر وابسته و مستقل نمی شود. R^2 از تقسیم SS تابعیت به SS کل بدست می آید بنابراین مشخص کننده قسمتی از واریانس کل در متغیر وابسته که به علت ارتباط با متغیر مستقل است می باشد. روشن است که مقدار R^2 بین ۰ و ۱ است و هر چه به یک نزدیکتر باشد ارزش مدل بالاتر است.

R^2 یک شاخص کامل نیست. مقدار R^2 می تواند بطور مصنوعی با افزودن متغیرهای بی ارتباط به مدل به عدد ۱ نزدیک شود. همچنین R^2 در حالتی که مقادیر مختلف متغیر مستقل مقدار یکسان از متغیر وابسته را حاصل می نماید نیازمند دقت زیادی است. معهذ R^2 آماره مناسبی برای ارزشیابی در بررسی قابلیت دسترسی است.

رقم واحدی از R^2 که دلالت بر شایستگی مدل داشته باشد وجود ندارد. البته تا حدودی می توان براساس نوع عکس العمل متغیرها و نوع آزمایش مواردی که R^2 بالاتری را بدست می دهند طبقه بندی نمود. به عنوان مثال R^2 در مطالعات تعیین قابلیت دسترسی اسیدهای آمینه بزرگتر از ویتامین ها و در مورد ویتامین ها بزرگتر از مواد معدنی است.

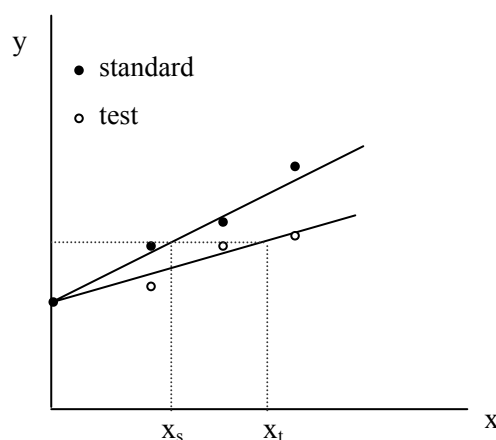
مهمترین روشهای تعیین و ارزشیابی قابلیت دسترسی (Bioavailability) روش نسبت شیب (Slope Ratio) و خطوط موازی (Parallel lines) است. سایر روش ها در اصل با تغییراتی در این دو روش ایجاد شده اند و در واقع مشتقاتی از این دو روش هستند که در قسمت بعدی به تشریح این روشها می پردازیم.

تعیین قابلیت دسترسی براساس داده های آزمایشی است که در قابلیت یک طرح جمع آوری شده است. در اینگونه آزمایش ها سطوح مختلف ماده مورد آزمایش و ماده استاندارد به جیره پایه افزوده می شود، شایان ذکر است که یکی از سطوح شامل سطح صفر یا جیره پایه است. در نهایت ترکیبی از سطوح مختلف و منابع ماده مغذی بصورت فاکتوریل، تیمارها را تشکیل می دهند. تیمارها در قالب طرح آزمایشی مناسب نظیر طرح کامل تصادفی، طرح بلوکهای کامل تصادفی قرار می گیرند. واحدهای آزمایشی، یک حیوان یا یک قفس از حیوانات یا درمورد طرحهای Cross over حیواناتی در دوره زمانی بخصوص است. انتخاب

ساختار تیمارها، طراحی تیمارها و واحدهای آزمایشی بستگی به موضوع مورد مطالعه، دانش قبلی نسبت به مدل آماری و ماهیت مواد آزمایشی دارد.

روش نسبت شیب (Slope Ratio)

آزمایشهایی که اخیراً در مورد تعیین قابلیت دسترسی انجام شده است عمدتاً از این روش استفاده نموده‌اند. در این روش مقادیر متغیر مستقل و وابسته (y, x) در هر واحد آزمایشی تعیین می‌گردد. فرض بر این است که رابطه y, x در هر دو مورد ماده مورد آزمایش و ماده استاندارد خطی است. سپس معادله خطوط تابعیت برای ماده استاندارد $y = a_s + b_s x$ و ماده مورد آزمایش $y = a_t + b_t x$ محاسبه می‌گردد (شکل ۳).



شکل ۳- تعیین قابلیت دسترسی به روش نسبت شیب

فرض بر این است که در سطح صفر x ، عکس‌العمل حیوان یکسان است بنابراین $a_s = a_t$ است. چون دو خط یکدیگر را در نقطه $x = 0$ قطع می‌کند بنابراین مقدار عرض از مبدا یا a (Intercept) برای هر دو ماده استاندارد و مورد آزمایش یکسان بوده و معادله خط استاندارد بصورت $y = a + b_s x$ و معادله خط مورد آزمایش بصورت $y = a + b_t x$ در می‌آید. طبق تعریف RBV ، x_s و x_t مقداری از ماده استاندارد و ماده مورد آزمایش هستند که عکس‌العمل (y) یکسانی را ایجاد می‌کنند. بنابراین $a + b_s x_s = a + b_t x_t$ است. با حل این معادله $RBV = \frac{x_s}{x_t} = \frac{b_t}{b_s}$ می‌شود که نسبت شیب دو خط تابعیت است. که وجه تسمیه

این روش یعنی نسبت شیب (Slope Ratio) از همین مسئله منشاء می‌گردد. شایان ذکر است که RBV یک نسبت تخمینی است بنابراین برآورد اشتباه استاندارد (Standard error) آن بسیار مشکل است.

با استفاده از این روش قابلیت دسترسی منابع مختلف برآورد می‌گردد. قابلیت دسترسی هر ماده مورد آزمایش نسبت به ماده استاندارد مقایسه می‌گردد. در واقع شیب خط تابعیت ماده مورد آزمایش تقسیم بر شیب خط ماده استاندارد معادل RBV ماده مورد آزمایش است.

برای ارزشمند بودن روش نسبت شیب آزمون آماری و تأیید سه فرضیه زیر ضروری است:

۱- عکس‌العمل منبع ماده مغذی استاندارد و مورد آزمایش بصورت خطی باشد.

۲- عرض از مبدا برای کلیه خطوط یکسان باشد.

۳- عکس‌العمل در برابر سطح صفر (که blanks نامیده می‌شود) معادل عرض از مبدا خط باشد.

روش آزمون فرضیات فوق توسط Finney تشریح شده است. بعضی از برنامه‌ها نظیر PROC GLM در نرم‌افزار SAS قابلیت محاسبه تابعیت و برآورد اشتباه استاندارد RBV را دارد.

در جداول ضمیمه ۱ تا ۵ RBV منابع کلسیم، فسفر و منگنز برای طیور، خوک، گاو و گوسفند ارائه شده است.

جدول ۱- ضمیمه - RBV منابع مکمل کلسیم

منبع	طیور	خوک	گاو	اسب
کربنات کلسیم	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
Aragonite	-	۹۵	-	-
پودر استخوان	۱۰۰	-	۱۱۰	۷۰
کلرید کلسیم	-	۹۰	۱۲۵	-
سیترات کلسیم	-	۹۰	-	-
گلوکونات کلسیم	۱۰۰	-	-	-
اکسالات کلسیم	-	۶۵	-	۵
سوکسینات کلسیم	-	۹۵	-	-
سولفات کلسیم	۹۵	۹۵	-	-
فسفات فلئورزدایی شده	۹۵	-	-	-
دی کلسیم فسفات	-	-	۱۱۰	۷۵
پودر سنگ	۹۵	-	۹۰	۷۰
پودر سنگ (دولومیتی)	۶۵	۸۰	-	-
rock pHospHate (حاوی کمی فلئور)	۹۰	-	-	-
(marble dust) گرد سنگ مرمر	-	۱۰۰	-	-
مونوکلسیم فسفات	-	-	۱۳۰	-
صدف	۱۰۰	۱۰۰	-	-
Soft rock pHospHate	۷۰	-	-	-
تری کلسیم فسفات	۱۰۰	-	-	-

جدول ۲ - ضمیمه RBV- منابع مکمل منگنز

منبع	طیور	گوسفند
سولفات منگنز	۱۰۰	۱۰۰
کربنات منگنز	۵۵	۳۰
دی اکسید منگنز	۳۰	۳۵
منگنز - متیونین	۱۲۰	۱۲۵
مونو اکسید منگنز	۷۵	۶۰
منگنز پروتئینه شده	۱۱۰	-
کلرید منگنز	۱۰۰	-

جدول ضمیمه ۳ - RBV منابع مکمل فسفر

منبع	طیور	خوک
فسفات سدیم یا پتاسیم	۱۰۰	۱۰۰
فسفات آمونیوم	۹۵	-
پودر استخوان	۹۵	۸۰
فسفات فلوئورزدایی شده	۹۰	۸۵
فسفات دی آمونیوم	۹۵	-
دی کلسیم فسفات	۹۵	۱۰۰
منو کلسیم فسفات	۱۰۰	-
Soft rock pHo.	۴۰	-

جدول ضمیمه ۴- RBV منابع فسفر برای مرغ

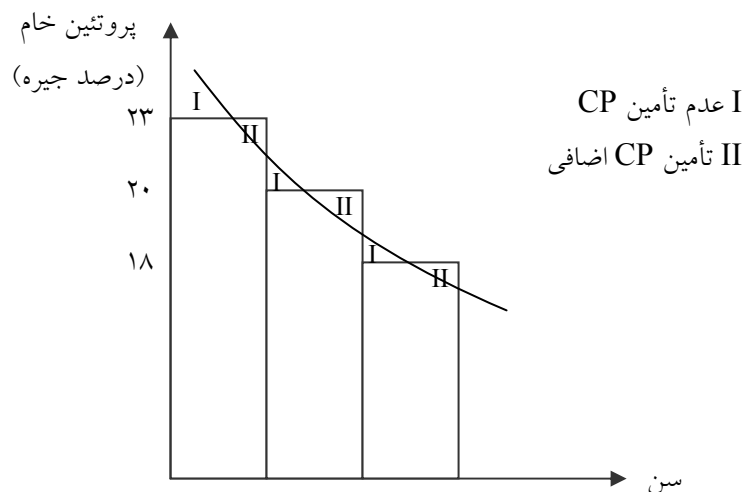
منبع	RV	ماده استاندارد	روش آزمایش	نوع جیره	عکس العمل
سویا	۵۰	دی کلسیم فسفات	SC	طبیعی	خاکستر استخوان
کنجاله سویا (۴۴٪)	۴۰	مونو کلسیم فسفات	SR	طبیعی	خاکستر استخوان
فیتین ذرت	۰	دی سدیم فسفات	SC	SP	خاکستر استخوان
کنجاله آفتابگردان	۲۳	فسفات پتاسیم MB	SC	P	خاکستر استخوان
گندم	۳۸	مونو سدیم فسفات	SR	طبیعی	خاکستر استخوان
سبوس گندم	۲۳	فسفات پتاسیم MB	SR	P	خاکستر استخوان
سورگوم	۳۶	مونو سدیم فسفات	SR	طبیعی	خاکستر استخوان

جدول ضمیمه ۵- RBV منابع فسفر برای گاو

منبع	RV	ماده استاندارد	روش آزمایش	نوع جیره	عکس العمل
برمودا گراس	۲۴	-	-	طبیعی	جذب ظاهری
پودر استخوان	۳۰	-	-	SP	ابقاء
دی کلسیم فسفات	۳۳	-	-	SP	ابقاء
اسید فسفریک	۷۶	-	-	SP	جذب حقیقی
Soft rock Pho.	۱۷	دی کلسیم فسفات	TP	طبیعی	رشد
شبدر	۴۴	-	-	طبیعی	جذب ظاهری
فسفات فلوئورزدایی شده	۱۰۰	دی کلسیم فسفات	MR	طبیعی	خاکستر استخوان ورشد

نسبت انرژی به پروتئین (Energy Protein Ratio)

I. نیاز پروتئین جوجه‌های گوشتی با افزایش سن بر حسب درصد در جیره کاهش می‌یابد و البته میزان پروتئین مصرفی در کل افزایش می‌یابد چون میزان Intake خوراک افزایش می‌یابد.



مقایسه نیاز واقعی (—) جوجه‌های گوشتی به پروتئین خام و مقدار تأمین شده به روش متداول (□) یعنی آرایه جیره در سه مرحله

II. جوجه‌های گوشتی می‌توانند با تغییر مقدار مصرف خوراک (Intake) نیاز انرژی خود را در دامنه 3400 ↔ 2600 کیلوکالری انرژی قابل متابولیسم در کیلوگرم تأمین نمایند، گرچه باید توجه داشت که این رابطه خطی نیست و جوجه‌هایی که جیره با انرژی ۲۶۰۰ دریافت می‌کنند نسبت به جوجه‌هایی که خوراک حاوی ۳۲۰۰ Kcal/Kg انرژی دریافت می‌کنند حدود ۳۰٪ بیشتر خوراک مصرف می‌کنند. لذا جیره کم انرژی موجب می‌شود، جوجه سایر مواد مغذی را بیشتر مصرف نماید مگر اینکه جیره کم انرژی از لحاظ مواد مغذی دیگر نیز رقیق گردد.

درجه حرارت محیط تأثیر زیادی بر روی انرژی مورد نیاز و متقابلاً میزان مصرف دارد. در محیط گرمتر میزان مصرف خوراک کاهش می‌یابد. به ازای هر ۱ درجه سانتیگراد افزایش دما بالاتر از منطقه خنثی حرارتی (Thermoneutral Zone) میزان مصرف خوراک ۱/۵٪ کاهش می‌یابد. بر عکس این قضیه نیز صادق است. بنابراین غلظت مواد مغذی در جیره بستگی پیدا می‌کند به درجه حرارتی که جوجه در معرض آن قرار دارد. عوامل دیگری از جمله شکل فیزیکی خوراک، استرس، اندازه بدن، پوشش پر، میزان رشد یا تولید تخم مرغ در میزان نیاز انرژی یا مصرف انرژی مؤثر هستند.

III. اگر نسبت انرژی به پروتئین متعادل نباشد بازده خوراک کاهش می‌یابد. اگر E:P بالا باشد انرژی مازاد بصورت چربی ذخیره می‌گردد. اگر نسبت انرژی به پروتئین (E : P) پائین باشد اسیدهای آمینه مازاد باید دی آمینه شده عامل آمینی آنها حذف شود و اسکلت کربنی آنها صرف تولید انرژی و یا بصورت چربی

ذخیره می‌شود که در هر دو صورت بازده غذایی کاهش می‌یابد. از اینرو برای کلیه پرنده‌ها برقراری نسبت متعادل انرژی به پروتئین ضروری است. در مورد جوجه‌های گوشتی نسبت انرژی به پروتئین با افزایش سن بالاتر (wide) می‌رود.

$$\text{مثال: Starter Broiler (NRC 94) } \frac{3200}{23} = 139.1$$

نتیجه: در جیره غذایی برای طیور بر حسب شرایط، نسبت متعادل انرژی به پروتئین باید رعایت گردد.

برآورد میزان انرژی مورد نیاز:

I. تعیین دقیق در آزمایش بیولوژیکی

II. برآورد توسط معادلات تابعیت

III. برآورد با استفاده از جداول احتیاجات (مانند NRC، ARC، Rhone Poulenc و ...)

برآورد توسط معادلات تابعیت:

$$\text{مورد نیاز مرغ تخم گذار (Leghorn) } ME_{Kcal/d} = BW_{kg}^{0.75} (173 - 1.95 T^{\circ}C) + 5.5 \Delta W_{g/d} + 2.07 E_{gr/d}$$

$$\text{مورد نیاز مرغ مادر گوشتی } ME_{Kcal/d} = (1.78 - 0.12 T^{\circ}C) (1.45 W_{gr}^{0.0653}) + 3.13 \Delta W_{gr/d} + 3.15 E_{gr/d}$$

محاسبه انرژی مورد نیاز مرغ مادر گوشتی (روش فاکتوریل) :

$$I \quad NE_m = 83 BW_{kg}^{0.75}$$

$$II \quad ME_m = NE_m / 0.82$$

$$III \quad ME_{ac} = ME_m \times 0.5 \rightarrow \begin{matrix} 0.5 & \text{for litter} \\ 0.37 & \text{for cage} \end{matrix}$$

$$IV \quad ME_{Pro} = \%EP \times 86 (Kcal)$$

$$V \quad ME_{gain} = (gain_{gr/d} \times 0.15 \times 9_{Kcal/gr}) + (gain_{gr/d} \times 0.18 \times 4_{Kcal/gr})$$

افزایش وزن حاوی ۱۵ درصد چربی و ۱۸ درصد پروتئین خام است.

مثال: مقدار جیره سرانه یک مرغ مادر گوشتی (با مشخصات زیر) را از یک خوراک حاوی ۲۷۵۰ Kcal/Kg انرژی قابل سوخت و ساز محاسبه نمایید.

$$NE_m = 83 (3/3)^{0.75} = 203/21$$

$$ME_m = 203/21 \div 0.82 = 247/117$$

$$ME_a = 247/117 \times 0.37 = 91/69$$

$$ME_p = 86 \times 0.7 = 60/2$$

$$ME_{gain} = (5 \times 0.15 \times 9) + (5 \times 0.18 \times 4) = 10/35$$

$$ME_{req} = 247/117 + 91/69 + 60/2 + 10/35 = 410 \text{ Kcal/d}$$

1000 gr

2750 kcal

x

410

→

149

خوراک روزانه / گرم



معیارهای تأمین انرژی

- میزان انرژی مورد نیاز با انرژی محتوی یک ماده خوراکی را به طرق مختلف می توان بیان نمود.
(NE , ME , DE , GE)
- ۱ کالری حرارت لازم برای افزایش دمای ۱ گرم آب از $16/5^{\circ}\text{C}$ به $17/5^{\circ}\text{C}$ است. گرچه گرمای ویژه آب با میزان دمای آن تغییر می کند.
یک کالری معادل 4.184 ژول است.
- در پرندگان مدفوع و ادرار به داخل کلوآک ریخته می شود، لذا اندازه گیری قابلیت هضم و DE مشکل است.
- ME : اگر انرژی خام مواد دفعی (از انرژی حاصل از گازها به دلیل ناچیز بودن صرف نظر می شود) را از انرژی خام مصرف شده کسر نمائیم انرژی قابل سوخت و ساز حاصل می گردد.
انرژی قابل متابولیسم ظاهری $\text{AME} \rightarrow \text{Apparent Metabolizable Energy}$
 $\text{AME}_n \rightarrow \text{Apparent Metabolizable Energy (Corrected for Zero Nitrogen Retention)}$
انرژی قابل متابولیسم ظاهری تصحیح شده بر اساس ذخیره صفراوات
 $\text{TME} \rightarrow \text{True Metabolizable Energy}$
انرژی قابل متابولیسم حقیقی (انرژی خام غذا منهای انرژی خام مواد دفعی با منشأ غذا)
 $\text{TME}_n \rightarrow \text{True Metabolizable Energy (Corrected for Zero Nitrogen Retention)}$
انرژی قابل متابولیسم حقیقی تصحیح شده بر اساس ذخیره صفراوات
- ماهیت اندیس n : ازت در شرایط فیزیولوژیکی در نهایت تبدیل به محصولاتی مانند اسید اوریک شده و دفع می شود که این محصولات حاوی انرژی هستند در صورتی که در شرایط فیزیکی (در بمب کالری متر) تبدیل به NO_2 می شود. لذا میزان انرژی حاصل از سوختن پروتئین در شرایط فیزیولوژیکی (در داخل بدن حیوان) و شرایط فیزیکی متفاوت است. بر این اساس انرژی بر پایه ذخیره صفر ازت تصحیح می شود.

Correction Factor $\Rightarrow$ 34.4 KJ/gr of Nitrogen retained

$$ME_n = DE - UE \pm (34.4 \text{ NR})$$

$$\text{AME}_n = 0.009 + 0.948 \text{ AME} \leftarrow \text{I.R. Sibbald}$$

$$\text{AME}_n / \text{g of feed} = \frac{[(F_i \times \text{GE}_F) - (E \times \text{GE}_E)] - (\text{NR} \times K)}{F_i}$$

Where $NR = (F_i \times N_F) - (E \times N_e)$ $E = \text{Excreta}$ $K = \text{constant (34.4)}$

مدل Sakomura (۲۰۰۳)

(3 to 8 wk)

$$ME_{\text{kcal/d}} = W^{0.75}(186.52 - 1.94 T) + 2.47 WG_{\text{g/d}}$$

مثال ۱:

افزایش وزن روزانه ۱۴ گرم، وزن بدن ۶۰۰ گرم، دما ۲۴°C

$$130_{\text{kcal/d}} = 0.6^{0.75}(186.52 - 1.94 \times 24) + 2.47 \times 14$$

	1000 gr	2750 kcal
خوراک مصرفی روزانه ۴۷ گرم ←	xgr	130 kcal

مثال ۲:

افزایش وزن روزانه ۱۴ گرم، وزن بدن ۷۰۰ گرم، دما ۲۴°C

$$142_{\text{kcal/d}} = 0.7^{0.75}(186.52 - 1.94 \times 24) + 2.47 \times 14$$

	1000 gr	2750 kcal
خوراک مصرفی روزانه ۵۱ گرم ←	xgr	142kcal

مدل Sakomura (۲۰۰۳)

(9 to 14 wk)

$$ME_{\text{kcal/d}} = W^{0.75}(186.52 - 1.94 T) + 2.69 WG_{\text{g/d}}$$

مثال ۱:

افزایش وزن روزانه ۱۴ گرم، وزن بدن ۱۲۰۰ گرم، دما 24°C

$$198_{\text{kcal/d}} = 1.2^{0.75}(186.52 - 1.94 \times 24) + 2.69 \times 14$$

	1000 gr	2750 kcal
خوراک مصرفی روزانه ۷۲ گرم	← xgr	198 kcal

مثال ۲:

افزایش وزن روزانه ۱۴ گرم، وزن بدن ۱۳۰۰ گرم، دما 24°C

$$208_{\text{kcal/d}} = 1.3^{0.75}(186.52 - 1.94 \times 24) + 2.69 \times 14$$

	1000 gr	2750 kcal
خوراک مصرفی روزانه ۷۵ گرم	← xgr	208kcal

مدل Sakomura (۲۰۰۳)

(15 to 20 wk)

$$ME_{\text{kcal/d}} = W^{0.75}(186.52 - 1.94 T) + 2.76 WG_{\text{g/d}}$$

مثال ۱:

افزایش وزن روزانه ۱۴ گرم، وزن بدن ۱۸۰۰ گرم، دما ۲۴°C

$$256_{\text{kcal/d}} = 1.8^{0.75}(186.52 - 1.94 \times 24) + 2.76 \times 14$$

	1000 gr	2750 kcal	
خوراک مصرفی روزانه ۹۳ گرم	← xgr	256 kcal	

مثال ۲:

افزایش وزن روزانه ۱۴ گرم، وزن بدن ۱۹۰۰ گرم، دما ۲۴°C

$$265_{\text{kcal/d}} = 1.9^{0.75}(186.52 - 1.94 \times 24) + 2.76 \times 14$$

	1000 gr	2750 kcal	
خوراک مصرفی روزانه ۹۶ گرم	← xgr	265kcal	

مدل *Rabello et al* (۲۰۰۶)

(دوره تولید ۳۱ تا ۴۶ هفتگی)

$$ME_{KJ/d} = W^{0.75}(806.53 - 26.45 T + 0.5 T^2) + 31.90 G_{g/d} + 10.04 EM_{g/d}$$

مثال ۱:

تولید تخم مرغ ۸۸ درصد، وزن تخم مرغ ۵۹/۲ گرم، افزایش وزن روزانه ۲/۸ گرم، وزن بدن ۳/۴۳۰ گرم، سن ۳۲ هفته، دما ۲۴°C

$$1771_{KJ/d} = 3.43^{0.75}(806.53 - 26.45 \times 24 + 0.5 \times 24^2) + 31.90 \times 2.8_{g/d} + 10.04 \times 52.09_{g/d}$$

$$1771 / 4.186 = 423 \text{ kcal}$$

	1000 gr	2750 kcal
	xgr	423 kcal
← خوراک مصرفی روزانه ۱۵۴ گرم		

قسمت بندی انرژی طبق مدل *Rabello et al* (۲۰۰۶)

(Energy Partitioning)

$$(1156) / 1771 = 0.652$$



65% Maintenance

$$(10.04 \times 52.09) / 1771 = 0.295$$



30% Egg production

$$(31.90 \times 2.8) / 1771 = 0.05$$



5% Gain

مثال ۲:

تولید تخم مرغ ۶۵/۱ درصد، وزن تخم مرغ ۶۴/۵ گرم، افزایش وزن روزانه ۲/۸ گرم، وزن بدن ۳/۷۱۰ گرم، سن ۴۶ هفته، دما ۲۴°C

$$1739_{\text{KJ/d}} = 3.71^{0.75}(806.53 - 26.45 \times 24 + 0.5 \times 24^2) + 31.90 \times 2.8_{\text{g/d}} + 10.04 \times 41.98_{\text{g/d}}$$

$$1739 / 4.186 = 415 \text{ kcal}$$

	1000 gr	2750 kcal
	xgr	415 kcal
خوراک مصرفی روزانه ۱۵۰ گرم	←	

قسمت بندی انرژی طبق مدل Rabello *et al* (۲۰۰۶)
(Energy Partitioning)

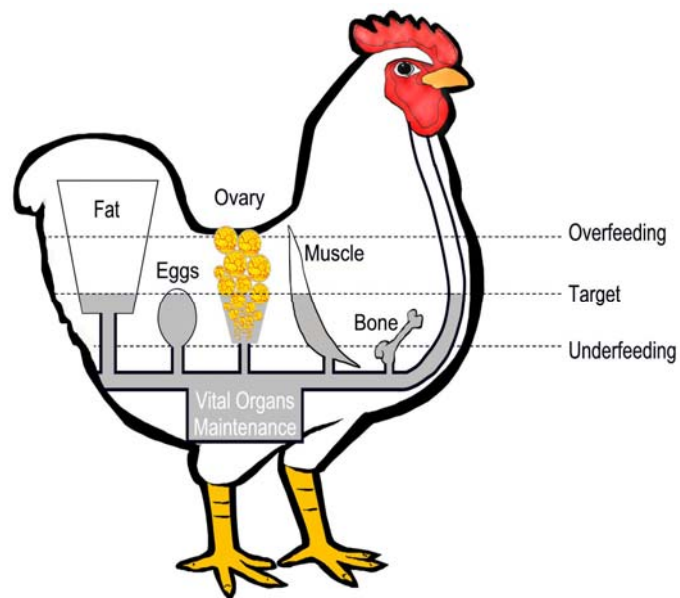
$(1229) / 1739 = 0.706$	→	71% Maintenance
-------------------------	---	-----------------

$(10.04 \times 41.98) / 1739 = 0.242$	→	25% Egg production
---------------------------------------	---	--------------------

$(31.90 \times 2.8) / 1739 = 0.05$	→	5% Gain
------------------------------------	---	---------

(Hydrostratic nutrient partitioning model of a broiler breeder hen)

(Oversupply)

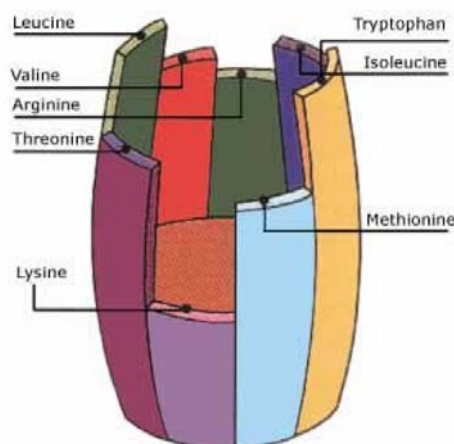


معیارهای تأمین پروتئین

پروتئین‌ها فراوان‌ترین مولکولهای آلی در سلول‌های زنده هستند و افزون بر ۵۰ درصد وزن خشک سلول‌ها را تشکیل می‌دهند. تا بیش از نیم قرن پیش جیره طیور براساس پروتئین خام متوازن می‌شد. اولین بار در سال ۱۹۴۶ میشل و بلاک متوجه اهمیت ترکیب پروتئین خام شدند و فرضیه توازن کامل آمینواسیدهای جیره غذایی را ارائه نمودند. بر این اساس میشل روش امتیاز شیمیایی **Chemical Score** را برای ارزشیابی خوراکی‌ها پیشنهاد نمود. در این روش کیفیت پروتئین بوسیله آمینواسید ضروری موجود که در مقایسه با پروتئین استاندارد کمترین مقدار باشد سنجیده می‌شود. پروتئین تخم‌مرغ عموماً به عنوان امتیاز در نظر گرفته می‌شود. مقدار هر آمینو اسید ضروری موجود در پروتئین به صورت درصدی از همان آمینو اسید در پروتئین استاندارد بیان می‌شود و یا پائین‌ترین نسبت را به عنوان امتیاز اختیار می‌نمایند. در اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت میشل و اسکات از دانشگاه ایلینویز فرضیه پروتئین ایده‌آل را که از تغییر امتیاز شیمیایی بدست آمده بود ارائه نمودند. این محققین دریافتند که مهمترین عامل مؤثر بر بازدهی مصرف پروتئین برای گوشت و تخم‌مرغ، توازن آمینواسیدهای خوراک می‌باشد و طبق قانون حداقل‌های لیبگ کمبود یک آمینواسید ضروری از عملکرد سایر آمینواسیدها که تعداد آنها کافی باشد ممانعت خواهد کرد.

در هر حال امتیاز شیمیایی نقطه شروع توجه به الگوی اسیدهای آمینه بود و با پیشرفت علم و فن‌آوری و گسترش تحقیقات در این زمینه در حال حاضر نسبت ایده‌آل آمینواسیدها که توسط دانشگاه ایلینویز ۲۰۰۳ ارائه شده است پیش رو داریم (**Illinois Ideal Chick Protein IICP**). در معیار **IICP** آمینواسید لیزین به عنوان آمینواسید مرجع انتخاب شده و نیاز سایر آمینواسیدها به صورت نسبتی از لیزین ارائه شده است.

از مقدار آمینواسیدهای موجود در یک ماده خوراکی تنها بخشی از آن برای پرنده قابل دسترسی می‌باشد چون قابلیت هضم آمینواسیدهای محتوی مواد خوراکی ۱۰۰٪ نیست، لذا جهت تأمین نیاز آمینواسیدها باید آمینواسیدهای قابل هضم ملاک جیره‌نویسی باشد. از اینرو نسبت‌های ایده‌آل جدید **IICP 2003** بر اساس آمینواسیدهای قابل هضم ارایه شده است.



The Liebig barrel

نسبت ایده آل آمینواسیدهای قابل هضم برای جوجه های گوشتی ارایه شده توسط دانشگاه ایلینویز

آمینواسید	۰ تا ۲۱ روزگی	۲۱ تا ۴۲ روزگی	۴۲ تا ۵۶ روزگی
لیزین	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میتونین + سیستین	۷۲	۷۵	۷۵
متیونین	۳۶	۳۷	۳۷
سیستین	۳۶	۳۸	۳۸
ترئونین	۶۷	۷۰	۷۰
والین	۷۷	۸۰	۸۰
آرژنین	۱۰۵	۱۰۸	۱۰۸
تریپتوفان	۱۶	۱۷	۱۷
ایزولوسین	۶۷	۶۹	۶۹
لوسین	۱۰۹	۱۰۹	۱۰۹
هستیدین	۳۵	۳۵	۳۵
فنیل آلانین + تیروزین	۱۰۵	۱۰۵	۱۰۵

نسبت ایده آل آمینواسیدهای قابل هضم برای مرغ مادر گوشتی ارایه شده توسط فیشر ۱۹۹۸

آمینواسید	۲۹ هفتگی	۳۱ هفتگی	۶۴ هفتگی
لیزین	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
میتونین + سیستین	۷۱	۷۳	۷۱
متیونین	۴۲	۴۳	۴۲
ترئونین	۶۳	۶۴	۶۳
والین	۷۹	۸۱	۷۸
آرژنین	۹۰	۹۰	۸۹
تریپتوفان	۲۱	۲۲	۲۱
ایزولوسین	۶۸	۷۰	۶۸
لوسین	۱۱۲	۱۱۴	۱۱۱
هستیدین	۳۴	۳۴	۳۳
فنیل آلانین + تیروزین	۱۱۷	۱۲۰	۱۱۶

.()

.()

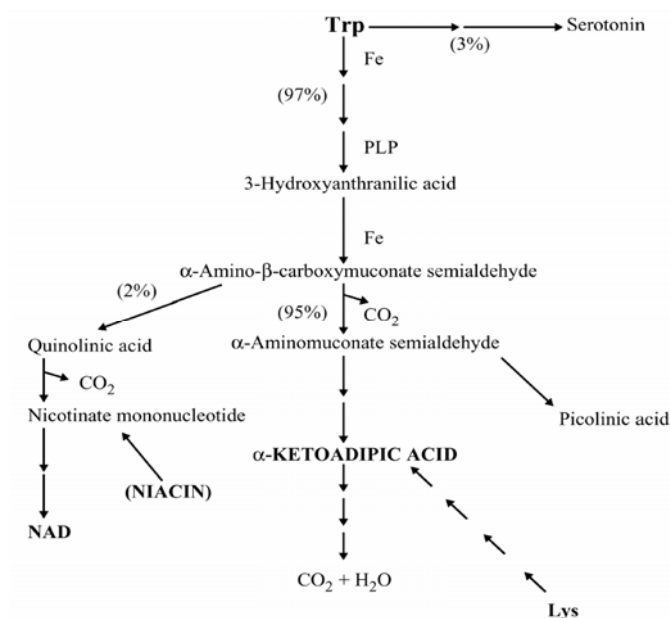
روابط بین آمینواسیدها که در جیره‌نویسی باید مد نظر قرار گیرد

Toxicity سمیت: مازاد مصرف موجب کاهش رشد و مصرف خوراک، کاهش قابلیت استفاده مواد مغذی و نهایتاً مرگ می‌شود.

Antagonist تضاد: مازاد یک اسید آمینه بر متابولیسم اسید آمینه دیگر تأثیر می‌گذارد (مثال Arg – Lys که نسبت آنها نباید بیشتر از ۱/۲ باشد، Val – Leu – Ile)

Imbalance عدم تعادل: تغییر در الگوی آمینواسیدهای خوراک که موجب کاهش رشد و مصرف خوراک می‌شود و با افزودن اولین آمینواسید (aa) محدودکننده اثرات منفی تخفیف می‌یابد. در اینگونه موارد رعایت نسبت بین آمینواسیدها برای افزایش بازده غذایی ضروری است.

تبدیل داخلی $\left\{ \begin{array}{l} \text{Cys} \leftarrow \text{Met} \\ \text{Tyr} \leftarrow \text{Phe} \\ \text{Ser} \leftarrow \text{Gly} \end{array} \right.$ | این آمینواسیدها علاوه بر اینکه بصورت انفرادی مورد توجه قرار گرفته و تأمین می‌شوند بصورت مجموع نیز مورد توجه قرار گرفته و تأمین می‌شوند.



(Augspurger 2007)

برآورد میزان پروتئین خام مورد نیاز

I. تعیین دقیق در آزمایش بیولوژیکی

II. برآورد با استفاده از جداول احتیاجات

III. برآورد توسط معادلات تابعیت

محاسبه پروتئین خام مورد نیاز مرغ به روش فاکتوریل :

$$CP_{gain / gr / d} = \frac{gain_{gr / d} \times 0.18}{E.C.} \quad \text{I پروتئین مورد نیاز برای رشد بافت}$$

$$\left. \begin{array}{l} 55\% \text{ راندمان استفاده از پروتئین خوراک در مادر و تخم گذار} \\ 61\% \text{ راندمان استفاده از پروتئین خوراک در پولت} \\ 67\% \text{ راندمان استفاده از پروتئین خوراک در جوجه گوشتی} \end{array} \right\} \text{Efficiency Coefficient}$$

$$CP_{m / gr / d} = \frac{(BW_{Kg} \times 250_{endo.N / mg / d} \times 6.25) \div 1000}{E.C.} \quad \text{II پروتئین مورد نیاز برای نگهداری بدن}$$

$$CP_{F / gr / d} = \frac{gain_{gr / d} \times 0.07 \times 0.82}{E.C.} \quad \text{III پروتئین مورد نیاز برای رشد پر}$$

- ۷ درصد افزایش وزن مربوط به رشد پر است

- پر حاوی ۸۲ درصد CP است

$$CP_{P / gr / d} = \frac{Egg_{gr} \times \%Egg \text{ Production} \times 0.12}{E.C.} \quad \text{IV پروتئین مورد نیاز برای تولید تخم مرغ}$$

- تخم مرغ حاوی ۱۲ درصد CP است

$$gr/d = I + II + III + IV \text{ پروتئین مورد نیاز}$$

مدل Hurwitz و Bornstein برای مرغ مادر گوشتی

$$CP_{gr/d} = 1.858 W_{Kg} + (0.21 \Delta W_{gr}) + (0.174 \times E_{gr/d})$$

آمینو اسیدهای مورد نیاز را می توان توسط مدل هارویتز و بورنستین و لویلی و همکاران برآورد نمود.

تنظیم عملی جیره بر اساس نسبت ایده آل آمینو اسیدها

(توسط نرم افزار UFFDA)

در این روش در صفحه عملیاتی F6 نسبت انرژی به پروتئین به عنوان اولین نسبت وارد می شود. در این صورت با تغییر میزان انرژی خوراک، به همان نسبت میزان پروتئین خام تغییر می یابد. در این شرایط می توان اقتصادی ترین فرمول خوراک را با توجه به سطح انرژی خوراک تعیین نمود. این مسئله در مورد جیره نویسی برای مرغ های مادر گوشتی مصداق دارد.

در قدم دوم برای تعیین مقدار لیزین موجود در خوراک نسبت مناسب بین این آمینو اسید و پروتئین خام طبق نیاز سویه مورد نظر برقرار می گردد. بدین ترتیب با تغییر میزان پروتئین خام، میزان لیزین خوراک تغییر می یابد. از این رو همواره مقدار ازت غیر پروتئینی (البته به شکل گروه آمین) جهت ساخت آمینو اسیدهای غیر ضروری به یک نسبت حفظ می گردد.

در مرحله سوم نسبت ایده آل بین آمینو اسیدهای ضروری و نیمه ضروری با آمینو اسید مرجع (لیزین) برقرار می گردد. بنابر این متعاقب تغییر میزان لیزین خوراک، سایر آمینو اسیدها با نسبت بهینه تغییر می یابند. شایان ذکر است که در جیره نویسی عملی فقط نسبت آمینو اسیدهای محدود کننده خوراک که به شکل مصنوعی در دسترس هستند می توان به صورت مطلق وارد نمود و در مورد سایر آمینو اسیدها نسبت ها را باید به صورت حداقل وارد نمود. در غیر این صورت به دلیل تنوع نسبت آمینو اسیدهای محتوی مواد خوراکی با نسبت های ایده آل، نرم افزار قادر به تنظیم و ارایه فرمول خوراک نخواهد بود.

تنظیم نسبت تمامی آمینو اسیدها به صورت مطلق، فقط در جیره های نیمه خالص (Semi purified) و خالص (Purified)، به دلیل دسترسی به کلیه آمینو اسیدهای ضروری، به شکل مصنوعی امکان پذیر است. در مرحله آخر در صفحه عملیاتی F3 حداقل و حداکثر سطح انرژی خوراک را وارد نموده و بر اساس قیمت هر کیلو گرم خوراک سطح بهینه انرژی را انتخاب می نمایم. در نهایت بر اساس میزان انرژی و با رعایت نسبت انرژی به پروتئین، لیزین به پروتئین و سایر آمینو اسیدها به لیزین فرمول خوراک تنظیم می گردد. در این روش با آگاهی از مقدار حداقل ازت غیر پروتئینی مورد نیاز (به شکل گروه آمین) ضمن تنظیم جیره متوازن از لحاظ آمینو اسیدها، امکان کاهش پروتئین خام جیره فراهم می گردد.

مهمترین مزیت این روش علاوه بر کاهش قیمت خوراک، افزایش قابلیت استفاده آمینو اسیدها و کاهش دفع ازت و در نتیجه تولید گاز آمونیاک کمتر در آشیانه خواهد بود.

با توجه به اینکه نسبت های ایده آل آمینو اسیدها در منابع مختلف برای جوجه گوشتی، مرغ تخم گذار و مرغ های مادر بر اساس قابل هضم ذکر شده است لذا ضروری است در صفحه عملیاتی F5 و F6 نسبت ها و مقادیر بر اساس قابل هضم وارد گردد. بدیهی است رعایت معیار قابلیت هضم یکسان در کلیه صفحات عملیاتی ضروری می باشد. استفاده از معیار های متفاوت در صفحه های عملیاتی F3 F5 و

F6مانند قابلیت هضم مدفوعی، قابلیت هضم ایلئومی، قابلیت هضم ایلئومی استاندارد شده و به شکل ظاهری یا حقیقی سبب تغییر توازن جیره و عملکرد پرنده خواهد شد.

مثال:

مطلوب است تنظیم جیره مرغ مادر گوشتی با شرایط زیر:

(سن: ۳۲ هفته، تولید تخم مرغ ۸۸ درصد، انرژی قابل متابولیسم مورد نیاز ۴۲۳ کیلوکالری در روز، پروتئین خام ۲۳/۵ گرم در روز، لیزین قابل هضم مورد نیاز ۹۶۶/۶ میلی گرم در روز).

حل:

$$423 \div 2750 = 153 \quad \text{gr/feed/d}$$

$$23/5 \div 153 = 15/37 \quad \%CP$$

$$0.9666 \div 23/5 = 0.411 \quad \text{Lys/Cp}$$

نسبت سایر آمینو اسیدها به لیزین بر اساس نسبت های ارایه شده توسط فیشر ۱۹۹۸ تنظیم می گردد.

Utilities Input Windows Print Problem Modified					
Nutrient Ratios					
List		List			
Cost		Cost			
Weight		Weight			
MEn		MEn			
Protein		Protein			
Ether extract		Ether extract			
Nutrient (M)	Nutrient (I)	Fixed At	At Least	No More Than	Level
DigMet+DigCys	DigLys	0.8613			
MEn	Protein	178.8908			
DigLys	Protein		0.0411		
DigMet	DigLys				
DigCys	DigLys				
DigMet+DigCys	DigLys	0.8613			
DigThr	DigLys				
DigTrp	DigLys				
DigIle	DigLys				
DigLeu	DigLys				
DigArg	DigLys				
DigVal	DigLys				
ALT-Q Quit F1 Help F9 Formulate F10 Menu					381576

Utilities Input Windows Print Minimum Cost = 386.6572					
Nutrients		Nutrient Limits			
	Minimum	Maximum	Equal	Level	Shadow Price
Cost					
Cost				386.6572	
Weight			1.0000	1.0000	160.1327
ME _N	2750.0000			2750.0000	0.1978
Protein				15.3725	
Linoleic Acid				1.6239	
Crude Fiber				3.4234	
Calcium				2.8808	
Avail. Phos.				0.4304	
Sodium				0.1814	
(Na+K)-Cl				180.1785	
Lysine				0.7051	
DigLys				0.6318	
Methionine				0.3425	
DigMet				0.3206	
Cystine				0.2705	
DigCys				0.2238	
Met+Cys				0.6130	
DigMet+DigCys				0.5442	
ALT-Q Quit F1 Help F9 Formulate F10 Menu					397968

Utilities Input Windows Print Minimum Cost = 386.6572					
Ingredients		Ingredient Limits			
	Minimum	Maximum	Equal	Usage	
Gluten Meal					
Gluten Meal				0.0122	
Natuphos		0.0002		0.0002	
Corn				0.6557	
Soy-Meal				0.1795	
Wheat Bran				0.0644	
corn oil					
Wheat			0.0000		
Dical. Phos.				0.0161	
Limestone				0.0616	
Common Salt		0.0030		0.0030	
NaHCO ₃ (S.Bicar)				0.0016	
Vit Premix%0.05			0.0025	0.0025	
Min Premix%0.05			0.0025	0.0025	
DL-Methionine				0.0008	
L-Lysine HCl					
ALT-Q Quit F1 Help F9 Formulate F10 Menu					397968

- هر گونه نقصی در جذب چربی ها مانع جذب ویتامین D می شود. همچنین نقص صفرا و پانکراس نیز در جذب ویتامین D تأثیر منفی می گذارد.

- در گوسفندهایی که در معرض U.V. هستند سطح ۲۵ هیدروکسی D₃ در پلاسما آنها بیشتر از حالتی است که در جیره D₃ اضافه شود. این مسئله نشان می دهد که قابلیت استفاده D₃ از راه دهان ۱۰۰٪ نیست چون در شکمبه تجزیه می شود.

- میزان فعالیت این ویتامین در جیره کامل و یا مکمل ها که به مدت ۴ تا ۶ ماه در دمای ۲۲°C نگهداری شدند حدود ۱۰ تا ۳۰ درصد کاهش می یابد. در غذای انسان بعد از پخش میزان فعالیت (Potency) ویتامین D به شدت کاهش می یابد. از اینرو خوراک طیور صرف نظر از مقدار ویتامین های محتوی مواد خوراکی، ویتامین ها بطور جداگانه از طریق مکمل های ویتامینی (Vit Supplement) تأمین می شوند.

پیشرفت های اخیر در تأمین نیاز به ویتامین D در جوجه های گوشتی

برآورد نیاز ویتامین D با معیارهای مختلف (عملکرد جوجه، رسوب مواد معدنی در استخوان ها و پوسته تخم مرغ.... و بوسیله اثر متقابل آن با مقدار کلسیم موجود در جیره صورت می گیرد. بهترین تخمین میزان مورد نیاز جوجه های گوشتی تا سال ۱۹۸۲، ۴۰۰ ICU/Kg بوده است. یافته های اخیر توسط ادواردز و همکاران در سال ۱۹۹۴ حاکی از این است که این مقدار برای رشد کفایت می کند اما برای حداقل کردن بروز ریکتز نیاز ویتامین D ۸۰۰ ICU/Kg می باشد. مقایسه مقادیر ۴۰۰ و ۸۰۰ ICU/Kg که اخیراً توسط وایت هد انجام شده نشان می دهد که ۸۰۰ ICU/Kg از ویتامین D موجب رشد بهتر و غلظت بیشتر ۲۵- هیدروکسی ویتامین D در پلاسما می شود. بنابراین برآورد NRC ۱۹۹۴ که ۲۰۰ ICU/Kg می باشد کمتر از مقدار مورد نیاز است و به احتمال زیاد نیاز ویتامین D حدود ۸۰۰ ICU/Kg می باشد. طی ده سال گذشته نیاز ویتامین D مرغ تخمگذار، بوقلمون و مرغ مادر مورد ارزیابی مجدد قرار نگرفته است.

تحقیقات جدید نشان می دهد که ویتامین D موجود در جیره قادر نیست نیاز متابولیکی سویه های جدید جوجه گوشتی را بطور کامل برآورده نماید. این نظریه از آنجا منشأ می گیرد که افزودن متابولیت های ویتامین D به جیره جوجه های گوشتی از بروز نقائص پا بخصوص T.D. (Tibial Dyschondroplasia) جلوگیری می کند و این بدین معنی است که سنتز داخلی (Endogenous Synthesis) متابولیت های ویتامین D در جوجه های گوشتی جدید به اندازه کافی نیست از اینرو تغذیه متابولیت های ۱- هیدروکسیلیت (مثل ۱- هیدروکسی ویتامین D و ۲۵- هیدروکسی ویتامین D) به میزان ۲ تا ۵ میکروگرم در کیلوگرم جیره بطور مؤثری از بروز T.D جلوگیری می کند اما خطر سمیت نیز بدلیل روابط درونی با سایر مواد مغذی (از جمله کلسیم و احتمالاً

ویتامین D) وجود دارد. تغذیه ۲۵- هیدروکسی ویتامین D نیز می‌تواند از بروز T.D جلوگیری کند. البته مقدار مورد نیاز آن بیشتر است (۷۵ میکروگرم در کیلوگرم) اما سمیت آن مشاهده نشده است. اگر محصول تجارتي مناسبی از متابولیت‌های ویتامین D تهیه گردد این متابولیت‌ها می‌تواند به همراه ویتامین D و یا جایگزین ویتامین D در جیره می‌گردد. مدارکی دال بر افزودن متابولیت‌های ویتامین D در جیره مرغ‌های تخم‌گذاری وجود ندارد.

Vit E - یک واحد بین‌المللی ویتامین E معادل فعالیت ۱ میلی گرم دی-ال-الفا توکوفرل استات سنتتیک

یا ۰/۷۳۵ میلی گرم دی-الفا-توکوفرل استات یا ۰/۶۷۱ دی-الفا-توکوفرل

و یا ۰/۹۰۹ میلی گرم دی-ال-الفا توکوفرل است

نیاز به ویتامین E در خوراک بسیار متغیر و تحت تأثیر عوامل زیر است:

- I. غلظت چربی جیره
- II. نوع چربی جیره
- III. میزان سلنیوم موجود در جیره
- IV. حضور آنتی اکسیدان

Vit K - فعالیت ویتامین K توسط تعدادی از ترکیبات طبیعی و سنتتیک با قابلیت‌های حل متفاوت در آب

و چربی نشان داده شده است.

* منادیون K_3 (۲ متیل - ۱و۴ نفتوکوئینون) قابل حل در آب و ترکیبات سنتتیک هستند که به عنوان استاندارد بکار می‌روند.

* اشکال طبیعی ویتامین K

- I K_1 فیلوکوئینون (۲ متیل ۳ فنیل ۱و۴ نفتوکوئینون) منشأ گیاهی دارد
- II K_2 فلاکوئینون (K_1 جایگزین شده با ۲ تا ۷ واحد ایزوپرن) با منشأ میکروفلور روده

* اشکال قابل حل در آب

- منادیون سدیم بی سولفات (MSB)
- منادیون سدیم بی سولفات کمپلکس (MSBC)
- منادیون دی متیل پریمیدول بی سولفات (MPB)

از نظر تئوری میزان فعالیت این ترکیبات بر اساس نسبت حضور منادیون در مولکول محاسبه می‌گردد. توجه: نوع کربوهیدرات‌ها، میزان پروتئین و تعادل آمینواسیدها از عوامل اصلی تعیین کننده احتیاج به ویتامین‌ها هستند.

1. National Research Council (NRC), 1994. Nutrient Requirement of poultry (9th Ed.) National Academy Press, Washington, DC.
2. Leeson, S. , Diaz, G. & Summers, J.D. (2001). Scott Nutrition of the chicken. 4th ed.
3. Leeson, S. , Diaz, G. & Summers, J.D. (1991). Commercial poultry nutrition.
4. Leeson, S. , Diaz, G. & Summers, J.D. (1995). Poultry Metabolic Disorders and Mycotoxins.
5. Cole, D.J.A. , Haresign, W.(1989) - Recent Development in Poultry Nutrition.
6. Wiseman, J. & P.C. Gransworthy (1999) – Recent Development in Poultry Nutrition2.
7. Ammerman, C.B., Baker, D.H. & Lewis, A.J (1995). Bioavailability of nutrients for animals, amino acids, minerals and vitamin.
8. Rhone-Poulenc Animal Nutrition (1993). Rhodmet nutrition guide. 2nd edition.
9. SAS Institute. 2001. SAS/STAT User Guide. Release 8.02 ed. SAS Institute Inc., Cary, NC
10. Rabello, C.B.V., Sakumura, N.K., Longo, F.A., Couto, H.P., Pacheco, C.R. and Fernandes, J.B.K (2006). Modelling energy utilization in broiler breeder hens. British Poultry science 74:622-631.
11. Sakumura, N.K., Silva, R., Couto, H.P., Coon, C. and Pacheco, C.R. (2003). Modelling metabolizable energy utilization in broiler breeder pullet. Poultry science 82:419-427.
12. Fisher, C. (1998). Amino acid requirements of broiler breeders. Poultry science 77:124-133.
13. Augspurger, N.R. and Baker, D.H. (2007). Excess dietary lysine increase growth of chicks fed niacin deficient diets, but dietary quinolic acid has no niacin sparing activity. Poultry science 86:349-355.
- 13- D'Mello, J. P. F. 1994. Amino Acids in Farm Animal Nutrition. PP.37-113: 185-245.
- 14- Scott, M. L., M. C. Nesheim and R. J. Young, 1982. Nutrition of the Chicken. third edition.